

تثنيه

Deuteronomy

تفسير كتاب مقدس برای ایمانداران

نوشته

ویلیام مک دونالد

www.muhammadanism.org
June 30, 2011
Farsi

این کتاب تفسیری به منظور درک مفاهیم موجود در کتاب مقدس به رشته تحریر در آمده است. در شیوهی نگارش این کتاب سعی بر آن بوده است که از اصول صحیح فن تفسیر بهره جسته و ضمن وفادار بودن به اصول تفسیرمچنان متنی ساده و روان را ارائه نماید. بنابراین، کتاب حاضر انتخاب شایسته ای خواهد بود برای مطالعات انفرادی و گروهی کتاب مقدس.

Believer's Bible Commentary

by

William MacDonald

This is a Bible commentary that makes the riches of God's Word clear and easy for you to understand. It is written in a warm, reverent, and devout and scholarly style. It is a good choice for your personal devotions and Bible study.

© 1995 by William MacDonald., *Believer's Bible Commentary*,
Thomas Nelson Publishers, Nashville, TN, pp. 2383.
— All Rights Reserved —

مقدمه

"تثنیه یکی از بزرگترین کتب عهد عتیق است. در هیچ دورانی هیچ کتابی نتوانسته است بیش از این کتاب بر مذهب خانوادگی و شخصی تأثیر گذارد. بیش از هشتاد بار در عهد جدید از این کتاب نقل قول شده و در نتیجه متعلق به گروه کوچکی از چهار کتاب عهد عتیق است (پیدایش، تثنیه، مزمور و اشعیا) که مسیحیان اولیه مکرراً به آنها رجوع می‌کردند.

جی. ای. تامپسون

1. جایگاه کتاب در کانون کتاب مقدس

شیطان، خداوند ما عیسی مسیح را به مدت چهل شبانه روز وسوسه کرد. این وسوسه‌ها عمداً جهت نفع روحانی ما بازگو شده‌اند. مسیح نه تنها از عهد عتیق یعنی "شمشیر روح" سه بار استفاده کرده بلکه هر سه بار از یک تیغه یعنی از تثنیه استفاده کرده است! احتمال دارد که تثنیه یکی از کتب مورد علاقه مسیح بوده باشد و همچنین باید یکی از کتابهای مورد علاقه ما نیز باشد. تثنیه در بسیاری موارد نادیده انگاشته شده است و شاید دلیل آن عنوان نامناسبی است که در انگلیسی به آن داده شد که از ترجمه سیتواجنت یونانی گرفته شده است. معنی عنوان یعنی "تکرار شریعت" حاکی از این طرز فکر اشتباه است که این کتاب فقط تکرار مطالبی است که قبلاً از خروج تا اعداد بیان شده‌اند. خدا هرگز چیزی دوباره بیان نمی‌کند با این هدف که صرفاً آن را تکرار کرده باشد، بلکه همیشه در آن تأکیدی جدید یا جزئیاتی تازه وجود دارد. پس تثنیه کتاب حیرت آوری است که ارزش مطالعه دقیق دارد.

2. نویسنده

به طور کلی نویسنده تثنیه موسی است، گرچه خداوند ویرایشگران دیگری را الهام کرده است تا آن را دوباره بازگو و بعضی جزئیات را به صورت امروزی در آورند. آخرین باب که مرگ او را ثبت کرده است یا به خود او نبوت شده و یا بعدها توسط یوشع یا شخصی دیگر اضافه شده است.

منتقدین لیبرال مطمئنند که تثنیه "کلام کتاب تورات است که در زمان یوشیا پیدا شد (620 ق.م). آنها معتقدند که در واقع این کتاب "فریبی پرهیزکارانه" است و طوری نوشته شده که گویی موسی نویسنده آن است تا پرستندگان یهودی را در پرستشگاه مرکزی در اورشلیم جمع کند.

در واقع موضوعی به نام فریب پرهیزگاران وجود ندارد اگر چیزی فریب باشد پس نمی‌تواند پرهیزگاران باشد و اگر چیزی پرهیزگاران است پس فریب نیست. همچنین هیچ مدرکی حاکی از این نیست که "کلام کتاب تورات" در دوم پادشاهان 22 مربوط به کل تورات نباشد. پادشاهان قبل از یوشیا، منسی و آمون هر دو پادشاهانی شرور بودند و در واقع آنها بودند که بت پرستی را در هیکل یهوه رواج دادند یعنی در جایی که شریعت موسی مسلماً توسط فرد یا افرادی دیندار پنهان شده بود. درست مانند اصلاحات پروتستان، کشف مجدد کلام خدا و اطاعت از آن همیشه بیداری و احیاء را به بار می‌آورد. برای ملاحظه دفاعیه دقیقی از نویسندگی موسی، به مقدمه تورات مراجعه کنید.

3. تاریخ نگارش

قسمت اعظم کتاب تثنیه تا سال 1406 ق.م نوشته شده است، اما بعضی قسمتهای آن، که مانند بقیه کتاب الهامی است، همانطور که قبلاً ذکر شد بعد از مرگ موسی اضافه شده است.

برای ملاحظه جزییات بیشتر در مورد تاریخ نگارش کتاب، مقدمه کتاب تورات را مطالعه کنید.

4. زمینه و محتوا

تثنیه تأکیدی دوباره (نه فقط تکرار) بر شریعت است برای نسل جدید که در طی سالهای سرگردانی بدنیا آمدند. ورود آنها به سرزمین موعود نزدیک بود و برای برخوردار شدن از برکات خدا در آن سرزمین، آنها می‌بایست شریعت را دانسته و از آن اطاعت می‌کردند.

در وهله نخست این کتاب شامل تفسیری روحانی است از تاریخ اسراییل از سینا به بعد (بابهای 1-3). مفهوم رایج کتاب این است که هر آنکس که نخواهد از تاریخ عبرت بگیرد محکوم به تکرار آن است. بخش اصلی کتاب مروری است مهم بر ویژگیهای قوانین خدا برای قوم خود (بابهای 4-26). سپس با پیش در آمدی از اهداف و حکومت پر فیض خدا، از ورود اسراییل به سرزمین موعود تا ظهور ثانویه مسیح ادامه می‌یابد (بابهای 27-33). این کتاب با مرگ موسی و انتصاب یوشع به جانشینی موسی خاتمه می‌یابد (باب 34).

پولس رسول یادآوری می‌کند که این کتاب حاوی پیغامی است هم برای اسراییل و هم برای ما. در مورد تثنیه 25: 4 او می‌گوید: "واقعاً به خاطر ما بود که این گونه سخن گفت" (اول قرن‌تیان 9:10).

این کتاب از نظر وجود نصایح و تشویق کتابی است غنی، که می‌توان آن را با افعال موجود در تثنیه 5: 1 خلاصه کرد: "بشنوید" "یاد گرفته" "بجا آورید".

رؤس مطالب

الف. اولین خطابه موسی- نزدیک شدن به سرزمین موعود (بابهای 1-4)

- الف - 1. مقدمه (1:1-5)
- الف - 2. از حوریب به قادش (6:1-46)
- الف - 3. از قادش به حشبون (باب 2)
- الف - 4. منطقه محافظت شده ماورای اردن (باب 3)
- الف - 5. فرمان اطاعت (باب 4)

ب. دومین خطابه موسی - پاکی در سرزمین موعود (بابهای 5-28)

- ب - 1. مروری بر عهد سینا (باب 5)
- ب - 2. هشدار علیه ناطاعتی (باب 6)
- ب - 3. دستوراتی برای برخورد با امتهای بت پرست (باب 7)
- ب - 4. درسهایی از گذشته (8: 1-11: 7)
- ب - 5. پاداش اطاعت (11: 8-32)
- ب - 6. قوانین پرستش (باب 12)
- ب - 7. مجازات انبیای کاذب و بت پرستان (باب 13)
- ب - 8. غذاهای پاک و ناپاک (14: 1-21)
- ب - 9. ده یک (14: 22-29)
- ب - 10. رفتار با مقروضان و برده ها (باب 15)
- ب - 11. تعیین سه عید (باب 16)
- ب - 12. داوران و پادشاهان (باب 17)
- ب - 13. کاهنان، لویان و انبیاء (باب 18)
- ب - 14. قوانینی برای جنایتکاران (باب 19)
- ب - 15. قوانینی در ارتباط با جنگ (باب 20)
- ب - 16. قوانین مختلف (بابهای 21-25)
- ب - 16 - 1. کفاره قتل نامعلوم (21: 1-9)
- ب - 16 - 2. اسرای مونث جنگ (21: 15-17)
- ب - 16 - 3. حقوق نخست زاده (21: 15-17)
- ب - 16 - 4. پسران سرسخت و یاغی (21: 18-21)
- ب - 16 - 5. اجساد مجرمین به دار آویخته شده (21: 22-23)
- ب - 16 - 6. نه قانون رفتاری (22: 1-22)
- ب - 16 - 7. گناه بی عصمتی (22: 13-30)

ب - 16 - 8. آنانی که از ورود به میان جماعت منع شده اند (23: 1-8)

ب - 16 - 9. تقدس در اردوگاه (23: 9-14)

ب - 16 - 10. قوانین اجتماعی و مذهبی (23: 15-

25)

ب - 16 - 11. طلاق و ازدواج مجدد (24: 1-4)

ب - 16 - 12. قوانین مختلف اجتماعی (24: 5-25

4:)

ب - 16 - 13. قانون ازدواج با زن برادر (25:)

10-5)

ب - 16 - 14. سه قانون متمایز (25: 11-19)

ب - 17. مراسم و تصدیق عهد (باب 26)

ب - 17 - 1. مراسم نوبر میوه (26: 1-11)

ب - 17 - 2. مراسم سال سوم یعنی سال عشر (26: 12-

15)

ب - 17 - 3. تصدیق عهد (26: 16-19)

ب - 18. لعنت ها و برکات (بابهای 27 ، 28)

ج. سومین خطابه موسی - عهد برای سرزمین (بابهای 29-30)

ج - 1. عهدی که در موآب بسته شد (29: 1-21)

ج - 2. مجازات شکستن عهد (29: 22-29)

ج - 3. احیاء برای بازگشت به عهد (باب 30)

د. آخرین روزهای موسی- مرگ خارج از سرزمین (بابهای 31-

34)

د - 1. جانشینی موسی (باب 31)

د - 2. سرود موسی (باب 32)

د - 3. برکت موسی (باب 33)

د - 4. مرگ موسی (باب 34)

تفسیر

الف. اولین خطابه موسی - نزدیک شدن به سرزمین (بایهای 1-

4)

الف - 1. مقدمه (5: 1-1)

1 : 1 ، 2 در هنگام شروع کتاب تثنیه ، فرزندان

اسراییل در دشتهای موآب اردو زده اند که در اعداد 22: 1 به

آن رسیده بودند. در تثنیه 1:1 نوشته شده که محل سکونتشان "در . . . مقابل سوف" بود. این بدان معنی است که بیابان، که دشتهای موآب بخش‌هایی از آن بود، به سمت جنوب به بخش دریای سرخ کشیده می‌شد که به نام خلیج عقبه شناخته می‌شود. برای رسیدن به حوریب (سینا) از راه کوه سعیر به قادش برنیع، در سرحد کنعان فقط یازده روز راه کافی بود ولی اسراییل بعد از سی و هشت سال آماده ورود به سرزمین موعود شد!

1: 3-5 موسی خطابه بعدی خود را خطاب به فرزندان اسراییل ارائه نمود تا آنها آماده ورود به سرزمین کنعان در سال چهارم خروج از مصر بشوند. این حادثه بعد از اسارت سیحون پادشاه اموریان و عوج پادشاه باشان اتفاق افتاد (اعداد 21).

الف - 2. از حوریب به قادش (6:1-46)

تثنیه 1: 3-6: 28 مروری است بر دوران بین کوه سینا تا دشتهای موآب. از آنجا که غالب اتفاقات این دوران در اعداد ذکر شده است، فقط آنها را در اینجا خلاصه می‌کنیم: فرمان خدا مبني بر حرکت به سوی سرزمین موعود و تصرف آن (آیات 6-8)؛ انتخاب داوران برای نظارت بر مسائل داخلی (آیات 9-18)؛ سفر از سینا به قادش برنیع (آیات 19-21)؛ فرستادن جاسوسان و شورش به دنبال آن (آیات 22-46). به استثناء یوشع و کالیب، هیچ یک از سربازانی که مصر را ترک کردند اجازه ورود به سرزمین را نداشتند (آیات 34-38).

الف - 3. از قادش به حشبون (باب 2)

2: 1-23 سفر از قادش برنیع تا مرزهای ادوم (آیات 1-7) مانع برخورد با ادومی‌ها شد. سفر از مرزهای ادوم به وادی زارد (آیات 8-15) مانع برخورد با موآبی‌ها شد. خدا فرمان داد که اسراییلیان با موآبی‌ها نجنگند چون او آن سرزمین را به فرزندان لوط بخشیده بود (آیات 16-19). خداوند قبلاً قومی غول پیکر را که عمونیان آنها را زَمُزْمِیان می‌نامیدند نابود کرد تا عمونیان در سرزمین آنان ساکن شوند درست مانند کاری که با اخراج حوریان، عویان و کفتوریان، برای فرزندان عیسو کرد (آیات 20-23).

2: 24-37 بقیه باب 2 جزئیات شکست سیحون اموری پادشاه حشبون است. آیه 29 الف اشاره می‌کند که فرزندان عیسو، ادومی‌ها، به اسراییلیان غذا و آب فروختند در حالیکه آب حاشیه کشور ادوم را احاطه کرده بود. اما مطالب موجود در اعداد 20: 14-22 بیانگر این است که پادشاه ادوم اصلاً با اسراییل همکاری نکرد و بر این عدم همکاری اصرار

می‌ورزید. گرچه این نیز بعید به نظر می‌رسد شاید این مردم ادوم بودند که به اسراییل غذا و آب فروختند. آیات 10-12 و 20-23 بعدها توسط شخص دیگری غیر از موسی اضافه شد اما به هر حال کلامی الهامی است.

الف - 4. منطقه محافظت شده ماورای اردن (باب 3)
3: 1-11 عوج پادشاه باشان شش شهر داشت که مانند بسیاری شهرهای باستانی تمام آنها با دیوارهای بلند، دروازه و میله‌ها محافظت می‌شد. خداوند این دشمنان را نیز به دستان قومش تسلیم نمود. از عوج به عنوان غولی یادآوری می‌شود با تخت بزرگ آهنی که هشت ذراع طول و چهار ذراع عرض آن بود (در حدود سیزده یا چهارده فوت در شش فوت). تامسون معتقد است که این تخت در واقع آرامگاه ابدی او بود و نه تخت خواب او:

در روز مرگش او را در تابوتی عظیم دفن کردند (به معنای تخت، "آرامگاه ابدی") که از نوعی مرمر سیاه ساخته شده بود و در اینجا به خاطر رنگی که داشت آهنی نامیده شده است... طبق مطالب موجود در این قسمت در زمانی که تثنیه نوشته شد تابوت او در ربت بنی عمون (عمان جدید) بود.

3: 12-20 سرزمین متصرف شده شرق اردن به رئوبین، جادیان و نصف قبیله منسی داده شد (آیات 12-17). موسی به مردان شجاعشان دستور داد تا در فتح منطقه غرب اردن به کمک برادرانشان بروند. بعد از آن می‌توانند به نزد همسرانشان، فرزندانشان و گله‌هایشان به شهرهای خود بازگشت کنند.

3: 21-29 موسی به یوشع فرمان داد تا پیروزی‌های گذشته را فراموش نکند و برای پیروزی‌های آینده به خدا امیدوار باشد (آیات 21، 22).
اما خداوند از موسی به خاطر نافرمانی او در ارتباط با قوم اسراییل غضبناک بود و به او اجازه نداد تا از اردن عبور کند. به هر حال به او اجازه داد تا سرزمین موعود را از بالای قله فسجه از تمام جهات نگاه کند (آیات 23-29).

الف - 5. فرمان اطاعت (باب 4)
باب 4 تکرار شریعت توسط موسی است. در اینجا به خصوص از خدای واحد حقیقی و مجازات‌های مربوط به بازگشت به بتپرستی سخن می‌گوید.

4: 1-24 اسراییل فرمان داشت تا هنگام ورود به سرزمین از فرایض و احکام خداوند اطاعت کند (آیات 1).

آنها نباید برکلام خداوند چیزی بیفزایند و چیزی از آن کم نمایند (آیات 2). مجازات بت پرستی در بعل فغور توسط خدا، همیشه می‌بایست به عنوان يك هشدار مد نظر باشد (آیات 3، 4). (دلیل ذکر این واقعه یعنی غضب الهی در برابر بت پرستی این بود که این اتفاق به تازگی رخ داده بود و در ذهن آنها باید تازه بوده است). اطاعت اسراییل باعث می‌شود که آنها به عنوان قومی عظیم در میان امتهای شناخته شود (آیات 5-8). اسراییل از اتفاقات گذشته باید برکات پیروی از خداوند را بداند (آیات 8). به خصوص به آنها دستور داده شده بود که ده فرمان کوه سینا (حوریب) را به خاطر بیاورند (آیات 9-13). در آن زمان آنها گرچه تجلی‌ای از خدا را رویت کردند اما صورت خدا را ندیدند یعنی هیچ تصویر جسمانی از او ندیدند که بتوانند از روی آن تمثال یا بتی را بسازند. خدا ساختن هر نوع تمثالی را که سمبل او باشد و یا پرستش خورشید، ماه و ستارگان را ممنوع ساخته بود (آیات 14-19). رهایی از مصر، ناطاعتی موسی و داوری متعاقب آن و غضب خدا در برابر بت پرستی به قوم اسراییل یادآوری می‌شوند (آیات 20-24). "خویشتن را بسیار متوجه باش... مبادا این چیزها را... فراموش کنی" (آیات 9)؛ "خویشتن را بسیار متوجه باشید... مبادا فاسد شوید" (آیات 15، 16)؛ "احتیاط نمایید... مبادا... فراموش نمایید" (آیه 23). موسی به خوبی از تمایل قلب بشر با خبر بود و به طور جدی به مردم دستور داد تا جدا مواظب آن باشند.

4: 25-40 اگر سالها بعد قوم به پرستش بتها بازگردد به اسارت خواهد رفت (آیات 25-28). اما حتی اگر بعد از آن توبه کنند و به سوی خداوند با تمام دل بازگردند، خدا آنها را احیاء خواهد کرد (آیات 29-31). هیچ قومی تا به حال از مزایای قوم اسراییل بخصوص معجزات مربوط به رهایی از مصر برخوردار نبوده است (آیات 32-38) در نتیجه آنها نیز باید مطیع او باشند و از برکات همیشگی او برخوردار باشند (آیات 39، 40). این اتفاق دردناک در تاریخ اسراییل اتفاق افتاد که آن قوم به خاطر ناطاعتی در معرض اسارت قرار گرفته و هشدارهای یهوه را جدی نگرفتند. هشدارهای خداوند کلام بی‌هوده نیست و هیچ انسانی یا امتی نمی‌تواند بدون مجازات آنها را کنار بگذارد.

4: 41-43 موسی سه شهر را به عنوان شهر ملجاء در قسمت شرقی اردن انتخاب می‌کند- باصر، راموت جلعاد و جولان (آیات 41-43).

4: 44-49 در اینجا خطابه دوم موسی شروع می شود یعنی در دشتهای موآب در شرق .. اردن. آیه 48 تنها موردی است که کوه حرمون کوه سیئون نامیده شده است .
ب. دومین خطابه موسی - پاکی در سرزمین موعود (بابهای 5-28)

ب - 1. مروری بر عهد سینا (باب 5)
5: 1-6 باب 5 مروری است بر بخشیدن ده فرمان در کوه سینا (حوریب). در آیه 3 واژه " بلکه " قبل از کلمه ما نشان می دهد که این عهد نه فقط با پدران بلکه با نسلهای بعدی اسراییل نیز بسته شده است .
5: 7-21 ده فرمان

هیچ بت دیگری نباید پرستیده می شد (آیه 7).
هیچ صورت تراشیده ای نباید برای پرستش ساخته می شد (آیات 8-10). این تکرار فرمان اول نبود . ممکن بود مردم بدون وجود هیچ بتی موجودات افسانه ای ، خورشید و ماه را پرستند . فرزندان که به خدا نفرت ورزند همانند پدرانشان مجازات خواهند شد (آیه 9).
نام خداوند نباید به باطل برده شود (آیه 11).
سبت باید مقدس نگه داشته شود (آیات 12-15). برای مقدس نگاه داشتن سبت در اینجا نسبت به خروج 8: 20-11 دلیل متفاوتی ارائه شده است (آرامی خدا از خلقت). یهودیان می بایست دوران بندگی در مصر را به یاد آورند (آیات 15). این دو دلیل مکمل یکدیگرند نه متناقض با هم .
والدین باید محترم شمرده می شدند (آیه 16).
قتل ممنوع بود (آیه 17)
زنا ممنوع بود (آیه 18).
دزدی ممنوع بود (آیه 19).
آوردن شاهد کاذب علیه همسایه ممنوع بود (آیه 20).
طمع ممنوع شده بود (آیه 21).

5: 22 جی. ای. تامپسون درباره این آیه می نویسد :
عبارت بر آنها چیزی نیفزود غیر معمول است و نشانگر این می باشد که این فرامین خلاصه کاملی است از ضروریات اساسی عهد و لزومی به اضافه کردن قوانینی دیگر نیست. تمامی قوانین دیگر تفسیر محض بوده و بسط بیشتر همین قوانین اساسی است . احتمال دیگر این است که این عبارت اشاره می کند به موقعیتی خاص ، یعنی وقتی که خداوند دقیقاً این ده فرمان را به قوم خود معرفی نمود. سایر فرامین باید در موقعیتهایی دیگر داده شده باشند چون حجم کل قوانین شناخته شده در اسراییل و نشأت گرفته از خدا قابل ملاحظه بوده است.

5: 23-33 در زمان نازل شدن شریعت قوم از تجلی حضور الهی و از ترس جانشان پر از وحشت شده و موسی را فرستادند تا خدا را مطمئن سازد که هر آنچه او بخواهد آنها انجام خواهند داد (در زمان بستن چنین عهد عجولانه ای به گناهکار بودن و ناتوان بودن خود پی نبرده بودند) . در نتیجه سایر احکام شریعت به واسطه موسی به عنوان میانجی داده شد. ده کلام یا ده فرمان ظاهرا به صورت شفاهی خطاب به تمام قوم در کوه سینا بیان گردید (آیات 30، 31) .

در آیه 28، تحسین خداوند به خاطر این نبود که آنها قول دادند شریعت را نگهدارند بلکه به خاطر ابراز احترام و ترس آنها بود (مقایسه کنید با 18 : 16-18) . خدا می دانست که آنها دلی مطیع ندارند تا از او امر او اطاعت کنند اما می گوید ای کاش اینگونه بود تا او می توانست آنها را به فراوانی برکت دهد (آیات 28-33) .

ب - 2. هشدار علیه ناپاطعتی (باب 6)

6 : 1-9 زمانیکه قوم وارد سرزمین موعود می شدند ، خدا از آنها خواست تا از نظر اخلاقی در وضعیت خوبی باشند . قوم خدا می بایست مطیع خدا باشند تا همانطوری که منظور نظر خدا بود بتوانند از سرزمین موعود برخوردار شوند . پس موسی به آنها دستوراتی عملی داد تا آنها را برای زندگی در کنعان شایسته سازد (آیات 1،2) . از اسراییل انتظار می رفت که حامل این شهادت باشد که تنها خدا ، خدای حقیقی است (آیات 3، 4) . آنها می بایست به تمامی جان او را دوست بدارند و کلام او را نگاه دارند (آیات 5 ، 6) . آنها می بایست فرامین خداوند را به فرزندانشان با جد و جهد تعلیم داده و در قسمتیهای مختلف زندگیشان آنها را هدایت کنند . بسیاری از والدین مسیحی از این قسمت به عنوان تعهدی برای تعلیم فرزندان خود استفاده می کنند، البته نه به معنی فرستادن آنها به مدرسه و نه تنها آموزش در مورد ایمان بلکه سایر مسائل به اصطلاح دنیوی.

در روزگار مسیح ، یهودیان واقعا قسمتهایی از شریعت را به دستان و پیشانی خود می بستند (آیه 8) . اما بی شك منظور خدا این بود که اعمالشان (دست) و خواهشهایشان (چشمانشان) تحت تسلط شریعت باشد .

آیات 4-9 که به نام " شه ما " (کلمه عبری به معنی " شنیدن ") شناخته می شد را یهودیان وفادار هر روز به عنوان اعتراف ایمان همراه به 11 : 13-21 و اعداد 15 : 37 - 41 تکرار می کردند .

واژه عبری " يك " در آیه 4 در پرتو مکاشفه کامل عهد جدید بسیار حائز اهمیت است . این واژه فقط به معنی وحدانیت مطلق نیست بلکه دال بر وحدانیت در جمع می باشد

در نتیجه با اسامی خدا در این آیه متناقض نمی باشد. نام یهوه (خداوند) تأکید بر وحدانیت و الوهیم تأکید بر تثلیث دارد. مشابه با این آیه، اشاره تلویحی دیگری در اولین آیه کتاب مقدس وجود دارد یعنی جایی که برای "الوهیم" از فعلی مفرد استفاده شده (آفرید) و در پیدایش 1: 26 از ضمیر "ما" به صورت جمع و ضمیر ملکی به دنبال اسامی مفرد یعنی "صورت" و شباهت استفاده شده است (یابداشتهای روزانه اتحادیه کتاب مقدس).

6 : 10-15 زمانی که قوم وارد سرزمین شوند و از آن موفقیت عظیم برخوردار شوند، این خطر وجود دارد که بخشنده شریعت را فراموش کنند و به دنبال پیروی از بتها بروند. اطاعت از شریعت وسیله ای برای رسیدن به خواسته ها نیست بلکه راهی برای نشان دادن محبت به یهوه است. محبت کتاب مقدسی احساسات و عواطف نیست بلکه پیروی مشخصی است از اراده مکشوف خدا. محبت یک گزینه انتخابی نیست بلکه ضرورتی برای سلامتی است. غیرت خدا (غیرت او برای جلالش) قوم را نابود خواهد ساخت اگر آنها با ناطعیتی عهد او را بشکنند.

6 : 16 خداوند عیسی از این آیه در متی 4 : 7 و لوقا 4 : 12 برای پاسخ به پیشنهاد وسوسه کننده، زمانی که از او می خواهد که خود را از کنگره هیکل به پایین بیندازد، استفاده می کند. در مسأ آب کافی برای نوشیدن نبود و مردم حضور خدا را زیر سؤال بردند (خروج 17). شك کردن به محبت و نیکویی خدا آزمودن او است.

6 : 17-25 اطاعت پیروزی بر دشمنان اسراییل را به بار خواهد آورد (آیات 17-19). نسلهای بعد می بایست بیاموزند که خدا چگونه قوم را از مصر رهایی داد و شریعت را برای نیکویی و برکت به آنها داد (آیات 20-25). آیه 25 را با رومیان 3 : 21، 22 مقایسه کنید. شریعت می گوید اگر "متوجه شویم"؛ فیض می گوید "به همه و کل آنانی که ایمان آورند". امروزه ایمانداران عدالتی را به تن کرده اند که شریعت بر اساس آن بود یعنی عدالت خدا (دوم قرن تیان 5 : 21) و عدالتی که از ایمان است نه از اعمال (رومیان 4 : 5).

ب - 3. دستوراتی برای برخورد با امتهای بت پرست (باب 7)
7 : 1-5 به قوم اسراییل علیه اختلاط با اقوام بت پرست هشدار داده شده بود یعنی اقوام بت پرستی که بعدها ساکن کنعان شدند. برای مجازات این هفت قوم یعنی حتیان، جزجاشیان و اموریان و کنعانیان و فرزیان و جوئیان و یبوسیان به خاطر گناهان غیر قابل بیان آنها و برای محافظت اسراییل از تماس با آنها خدا دستور داد تا این

اقوام به کلي نابود شوند و هر اثری از بت پرستی کلا نابود شود . شاید آیه 3 پیش بینی شکست اسراییل در اطاعت از آیه 2 است چون اگر آنها تمام ساکنان آن سرزمین را نابود می‌کردند مسلماً لزومی نداشت به آنها نسبت به ازدواج با اقوام دیگر هشدار داده شود.

7 : 6-11 خدا قوم اسراییل را برگزید تا خود را برای او جدا بسازند . او نمی‌خواست که آنها مانند سایر اقوام باشند . او آنها را به دلیل تعداد زیادشان انتخاب نکرد (در واقع از همه اقوام تعدادشان کمتر بود) . او آنها را فقط به این خاطر انتخاب کرد که آنها را دوست داشت و می‌خواست که در همه چیز مطیع او باشند . منظور از " هزار پست تا ابد می‌باشد . خداوند از کنعانیان به خاطر اعمال شرورانه شان نفرت داشت . او قوم اسراییل را دوست داشت نه به خاطر نیکویی آنها بلکه فقط به این خاطر که آنها را دوست داشت و می‌خواست قسم خود را که برای پدران آنها خورده بود، بجا آورد . چه کسی می‌تواند فیض برگزیدگی خدای مقتدر را درک کند !

7 : 12-26 اگر قوم خدا در سرزمین موعود نسبت به او وفادار بمانند ، خدا آنها را با نسلی بی‌شمار، فراوانی غله ، گله های فراوان ، سلامتی و پیروزی بر دشمنان برکت خواهد داد (آیات 12-16) . هر آنوقت که ترس از دشمنانشان بر آنها غلبه یافت باید رهایی و نجات گذشته و به خصوص نجات از مصر را به خاطر بیاورند (آیات 17-19) . همانطور که خدا در گذشته عمل کرده ، دوباره برای آنها وارد عمل خواهد شد و زنبورها را خواهد فرستاد تا دشمنانشان را نابود سازند .

کلمه زنبور شاید دقیقاً به همین معنی استفاده شده باشد و یا تلویحاً به معنی لشگری فاتح است (آیات 22-24) . او تمام دشمنانشان فوراً از بین نخواهد برد تا مبادا سرزمین مملو از حیوانات وحشی شود (آیه 22) . (سرزمینهای غیر مسکونی محل مناسبی برای حیوانات وحشی می‌شود گرچه تعداد آنها در مناطق شهری تحت کنترل باشد) . دلیل دیگری که پیروزی سریعاً قابل وصول نبود در داوران 2 : 21-23 یافت می‌شود : خدا از بت پرستان باقی مانده به منظور امتحان اسراییل استفاده نمود . تمام بتها باید کاملاً نابود می‌گردید تا مبادا قوم اسراییل را وسوسه کنند (آیات 25 ، 26) . جدی ترین خطر برای قوم اسراییل مردم کنعان نبود بلکه وجود بتهای آنها و فساد فاحش بود که به آنها همراه بود . آنها باید بیشتر برای نبرد روحانی آمادگی پیدا می‌کردند نه جسمانی .

ب - 4 . درسهایی از گذشته (8 : 1-11 : 7)

در ارتباط با بابهای 8 و 9 ، جی . ای . تامسون
مختصراً اشاره می کند:

در اینجا به دو درس مهم از گذشته اشاره شده است. نخست در دوران سرگردانی ، توجه الهی خدا به آنها از طریق قدرت مهیا کنندگی یهوه ، به آنها درس فروتنی داد ، یعنی زمانی که قوم اسراییل نمی توانست به خودش کمک کند . خاطره این تجربه باید در زمان پیروزی ، امنیت و کامیابی از سرزمین جدید ، آنها را از مغرور شدن محافظت کند (8: 1-20) . دوم اینکه ، تمام پیروزی های حاصل شده در آینده نباید به عنوان تاییدی الهی از عدالت آنها تعبیر شود (9: 1-6) . در واقع ، در اتفاق بز طلایی (9: 7-21) و سایر وقایع (9: 22-29) اسراییل سرسختی و یاغیگری خود را ثابت نمود .

8: 1-5 باز هم موسی اصرار می کند تا مردم به خاطر محبت و محافظت الهی از خدا اطاعت کنند. خداوند اجازه داد تا آزمایشاتی در زندگی آنها باشد تا آنها فروتن شوند ، آنها را تأیید و اطاعت آنها را امتحان کند. اما همچنین آنها را با من از آسمان تغذیه می کرد و لباس و کفش برای پوشیدن می داد تا پاهایشان در اثر چهل سال سرگردانی در بیابان متورم نشود.

خدا می دانست در قلب مردم چه می گذرد . اوسعی نمی کرد با امتحان کردن مردم چیزی را بداند (آیه 2) بلکه می خواست تا ذات یاغیگر آنها را بر خوشان آشکار سازد تا قوم نیز کاملاً ارزش رحمت و فیض او را بدانند . درس دیگری که آنها باید از سالهای سرگردانی یاد می گرفتند ترس از خداوند بود .

8: 6-20 موسی این بحث را نه بر اساس آنچه خدا انجام داده بود بلکه بر اساس آنچه انجام خواهد داد مطرح ساخت (آیات 6، 7) . جزییات برکات سرزمین موعود شرح داده شده است (آیات 7-9) . چون کامیابی ها ممکن است منجر به فراموش کردن و فراموشی منجر به ناطاعتی شود قوم می بایست مواظب این خطرات می بودند (آیات 10-20) . وفاداری خدا می بایست با وفاداری قوم اسراییل پاسخ داده می شد. خدا عهد خود را با پاتریارخ ها نگه می داشت (آیه 18) و قوم هم در عوض لازم بود تا کلام خدا را نگه دارند (خروج 19: 8) . اگر قوم اسراییل اعمال مقتدرانه ای را که خدا به خاطر آنها انجام داده بود فراموش می کردند و دارایی خود را به قدرت خود نسبت می دادند ، یهوه آنها را نابود می ساخت همانطور که امتهای کنعان را نابود ساخت .

9: 1-3 باب 9 با توضیح اقوامی آغاز می شود که اسراییل قرار بود به زودی با آنها مواجه شود. اسراییل نباید مانند چهل سال پیش دچار ترس و وحشت می شد چون خدا برای آنها خواهد جنگید. " خداوند.... آنها را نابود می

کند و در مقابل شما تسلیم می سازد ". به اقتدار الهی و نمایندگی انسان توجه کنید که مکمل یکدیگرند و هر دو برای حفظ سرزمین موعود ضروری هستند.

9 : 4-7 پس چون یهوه ساکنان کنعان را شکست داد اسراییل نباید به خود فخر کند . به قوم اسراییل سه بار هشدار داده شد تا موفقیت‌هایش را به عدالت خود نسبت ندهد (آیات 4-6) . خدا به سبب شرارت ساکنان فعلی (آیه 4) و به واسطه قسمی که برای ابراهیم ، اسحق و یعقوب خورده بود (آیه 5) ، ونه به خاطر سزاوار بودن آنها آن زمین را به آنها داد . حقیقت موضوع این بود که آنها قومی گردنکش (خودسر) (آیه 6) تحریک پذیر و یاغی بودند (آیه 7) .

9 : 8-23 در کوه حوریب (سینا) موسی به عنوان نمونه ای برای رفتار قوم ذکر می شود (آیات 8-21) . آیات 22 و 23 به سایر مکان‌هایی اشاره می شود که قوم در آنجاها مرتکب گناه شدند : تَبْعیره (اعداد 11 : 3) ؛ مَسَّا (خروج 17 : 7) ؛ كِبْرُوت هَتَاوَه (اعداد 11 : 34) ؛ قَادَش برنیع (اعداد 13 : 31-33) . توجه کنید که بز طلایی طوری نابود شد که دیگر قابل ترمیم نباشد (آیه 21) .

9 : 24-29 در کوه سینا شفاعت موسی تنها چیزی بود که قوم را از خشم یهوه محافظت می کرد. او درخواست خود را بر اساس عدالت مردم قرار نمی دهد بلکه براین موارد قرار می دهد : میراث سرزمین "قوم خود و میراث خود را که فدیة دادی" (آیه 26) ؛ وعده خود : " بندگان خود ابراهیم و اسحاق و یعقوب را بیاد آور" (آیه 27) ؛ قدرت (قدرت خدا مورد تمسخر مصریها قرار خواهد گرفت) : "مبادا اهل زمینی که ما را از آن بیرون آوردی، بگویند چونکه خداوند نتوانست ایشان را به زمینی که به ایشان وعده داده بود درآورد" (آیه 28) .

در آیه 1 از باب 10 راوی به وقایع کوه سینا برمی گردد و در نتیجه آیه 29 از باب 9 را دنبال می‌کند. اتفاقات موجود در کتابمقدس همیشه به ترتیب زمان وقوع نیست ؛ معمولا ترتیب وقایع با نظمی روحانی یا اخلاقی است که اهمیت آن بیشتر از ترتیب زمانی محض است . صحیح تر است که تقسیم بندی کتاب بعد از آیه 11 شروع شود چون 11 آیه اول در ارتباط با وقایع کوه سینا است (موضوع در 10 : 8 ادامه می یابد) در حالیکه آیات 12 به بعد تشویق قوم است به اطاعت به خاطر رحمت مهربانانه خدا است .

10 : 1-5 این پاراگراف در مورد دومین دفعه ای است که شریعت به قوم داده شده و در تابوت گذاشته می شود. آیه 3 به این معنا نیست که موسی شخصا تابوت را ساخت بلکه فقط دستور ساختن آن را داد. معمولا به شخصی که دستور ساختن چیزی را دارد گفته می شود که آن را چگونه بسازد .

10: 6-9 آیات 6 و 7 در اینجا به نظر تغییری ناگهانی می باشند. در واقع این پرانتز ثبت وقایعی است که بعدها اتفاق می افتند همانطور که در ترجمه کینگ جیمز جدید ذکر شده است. اما خواننده را تا وقوع مرگ هارون به جلو می آورد (ترجمه کینگ جیمز جدید آیات 6-9 را در پرانتز ذکر می کند که درک این قسمت را راحت تر می سازد).

موسیره احتمالا منطقه ای است که کوه هور در آن قرار داشت زیرا هارون در آنجا مرد (اعداد 20 : 25-28). امروزه محل دقیق موسیره معلوم نیست. شاید مرگ هارون موسی را به فکر کهانت انداخت و او دوباره به موضوع انتخاب لویان به عنوان قبیله کهانت بازمی گردد (آیات 8، 9). عملکرد سه گانه کهانت در آیه 8 ذکر شده است: (1) تابوت عهد خداوند را بردارند؛ (2) به حضور خداوند ایستاده، او را خدمت نمایند؛ (3) و به نام او برکت دهند. دستورات مربوط به کهانت برای این نسل که در حال ورود به کنعان بود مهم به شمار می آمد.

10 : 10، 11 موسی دوباره به یادشان می آورد که برای دومین بار به مدت چهل شبانه روز در کوه سینا برای آنها شفاعت نمود. خدا شنید، داوری انجام نشد و به آنها گفت به داخل سرزمین رفته و آن را تصرف کنند.

10 : 12-22 خواست خدا برای قومش در این کلمات خلاصه شده است " بترسی... دوست بداری.... عبادت نمایی..... نگاه داری " (آیات 12، 13). تمام فرامین خدا به خیریت آنها بود (آیات 13 ب). موسی قوم را تشویق نمود تا به خاطر عظمت خدا (آیه 14)، انتخاب الهی اسراییل به عنوان قوم خاص او (آیه 15)، عدالت و دادگری او (آیات 17-20)، و به خاطر اعمالی که در گذشته برای این قوم انجام داده است (آیات 21، 22) از او اطاعت کنند. قلب ختنه شده (آیه 16) قلبی است که از خدا اطاعت می کند.

11 : 1-7 یکبار دیگر موسی تاریخ گذشته اسراییل را مرور می کند تا از آنها دروس روحانی استخراج کند. در آیه 2 موسی به طور خاص با باقی ماندگان نسل قدیمی تر و نه با آنان که در بیابان بدنیا آمدند سخن گفت. مردان جنگی ای که در زمان ترك مصر بیست سال یا بیشتر سن داشتند اجازه ورود به مصر را نداشتند (2 : 14 ؛ یوشع 5:6). خدا قوم خود را مصر نجات داد و آنها را در بیابان هدایت نمود اما شورش داتان و ابیرام را تحمل نکرد. داوری مصریان بت پرست و مجازات سخت شورشیان قوم باید درس عبرتی باشد تا از روی حماقت موجب ناخشنود ساختن خدا نشوند.

برعکس ، براي داشتن عمر طولاني در آن سرزمين (آيه 9) بايد فرامين خدا را نگه داشت (آيه 8) . سرزميني که در صورت مطيع بودن از آن لذت خواهند برد در آیات 10-12 شرح داده شده است. عبارت "به پای خود سیراب مي کردی" ممکن است به ابزار پدال مانندي اشاره دارد که براي پمپ آب استفاده مي شد و يا به باز کردن دريچه آب با استفاده از پا اشاره کند. مصر سرزميني لم يزرع بود که با استفاده از آبياري حاصل مي داد ولي سرزمين موعود از لطف خاص خدا برخوردار بود (آيات 11 ، 12) . باران فراوان و برداشت کافي پاداش اطاعت خواهد بود (آيات 13-15) اما فراموش کردن خدا و يا بت پرستي با خود خشکسالي و بي حاصلی به بار خواهد آورد .

11 : 18-21 کلام خدا بایستی موضوع گفتگوهاي موجود در خانه باشد . بايد کلام خدا را دوست داشته و با آن زندگي مي کردند. پاداش اطاعت از کلام خدا اين بود که ايام آنها در آن سرزمين مثل ايام افلاک بر بالای زمین کثیر خواهد شد (آيه 21) .

بعدها يهوديان آيه 18 ب را به صورت تحت اللفظي تفسير کرده و قسمت هايي از کلام خدا را به صورت کيسه هايي کوچک به پيشاني خود مي بستند و يا به چارچوب در اویزان مي کردند (همانطور که امروزه اين کار را مي کنند) . اما آيه 19 الف منظور اصلي کلام خدا را بيان مي کند- منظور از کلام موجود بر روي دستان ، يك جفت دستي است که تن به کار بي ارزش و پست نمي دهد ؛ کلام مابين چشمان ما ، بيانگر تسلط خدا بر روياهي ما است - تسلط بر آنچه نگاه مي کنيم و آنچه دوست داريم مال ما باشد - کلام موجود بر چارچوب خانه بيانگر خانه و خانواده اي است که در مقابل خدا مسئوليت پذيرند به خصوص نسبت به فرزندان که مسئوليت نگهداري از آنها بدیشان سپرده شده است (19) (يادداشتهاي روزانه کلام خدا) .

11 : 22-25 آناني که در طريق خداوند سلوک کنند بت پرستان را از کنعان بيرون کرده و هر جا قدم گذارند از آن آنها خواهد شد. قانون مالکيت در آيه 24 داده شده است. وعده مالکيت تمام سرزمين به آنها داده شد ولي آنها بايد داخل سرزمين شده و آن را تصرف کنند همانطوري که ما بايد وعده هاي خدا را از آن خود کنيم . مرزهاي موجود در آيه 24 از نظر تاريخي هيچگاه تحقق نيافت. درست است که مرزهاي پادشاهي سليمان از رود فرات گذشت و به مرزهاي مصر رسيد (اول پادشاهان 4 : 21) اما در واقع اسراييل تمام آن قلمرو را در تصرف نداشت . در اين آيه گفته شده که آنها براي

سليمان هدايا مي آوردند يا به او ماليات مي دادند ولي داراي حكومت داخلي بودند. آيه 24 همراه با بسياري آيات ديگر در سلطنت هزارساله خداوند عيسي مسيح تحقق كامل خواهند يافت .

11 : 26-32 پس برکت و لعنتي براي اسراييل خواهد بود ، برکت در زمان اطاعت و لعنت در زمان ناطاعتي . دو کوه کنعان نمايانگر اين حقيقت بودند - کوه جرّيم براي برکت و کوه ايبال براي لعنت. اين دو کوه در نزديکي شکيم قرار داشتند و دره اي کوچک مابين آنها بود. مادامي که کاهن برکات ناشي از اطاعت را مي خواند نيمي از قبائل بر کوه جرّيم مي ايستادند . زماني که کاهن لعنتهايي را مي خواند که ريشه در ناطاعتي داشت ، شش قبيله ديگر بر کوه ايبال مي ايستادند. در هر دو صورت مردم بايد با خواندن آنها " آمين " مي گفتند ! در ارتباط با جزييات اهميت اين دو کوه ، تثنيه 27: 11-26 را ملاحظه کنيد.

احتمالا بلوطهاي موره همانهايي هستند که در پيدايش 35: 1-4 به آنها اشاره شده است . چندين قرن قبل از آن ، يعقوب خانه خود را از بت پرستي تقديس نمود. شايد اين اشاره به اين خاطر بود تا نه فقط از نظر جغرافيايي بلکه از نظر روحاني راهنمايي کننده باشد .

ب - 6. قوانين پرستش (باب 12)

12 : 1-3 وقتي آنها وارد سرزمين شدند قوم خدا مي بايست تمام بت ها و بتکده ها را نابود مي کردند يعني تمام مکانهايي که در آن پرستش کاذب انجام مي گرديد . اشيره (به زبان عبري اشيره) سمبلي است از بت مونث و ستونها سمبلي است از بعل خدای مذکر.

12 : 4 - 14 خدا مکاني را براي پرستش اختصاص مي دهد ، جايي که قرباني ها و هدايا به آنجا آورده شوند. اين مکان جايي بود که اولين بار خيمه در آنجا نصب گرديد (شيلو ، يوشع 18 : 1) و بعد ها هيکل در آنجا ساخته شد (اورشليم). فقط در اين مکان معين ، پرستش مورد قبول بود. مرکز پرستش مسيحي يك شخص است يعني خداوند عيسي مسيح تجلي قابل رويت خدای نادیده .. خدا از اغتشاشات بيابان که نبايد در سرزمين کنعان اتفاق مي افتاد چشم پوشي کرده بود (آيات 8 ، 9) .

12 : 15 - 28 در لاويان 17 : 3 ، 4 طبق فرمان خدا هر نوع قرباني حيواني مانند گاو ، گوسفند يا بز بايد به خيمه آورده مي شد . در زمان نزديک شدن ورود قوم به کنعان ، قانون بايد عوض مي شد. از اين پس يهوديان مي توانند گوشت حيوانات خانگي را که معمولاً جهت قرباني استفاده مي شد مي

خوردند چنانکه گوشت غزال و آهو را استفاده می‌کردند (حیوانات پاک که برای قربانی استفاده نمی‌شد). این اجازه به اشخاصی که از نظر آیینی ناپاک بودند و همچنین اشخاص پاک داده شد. اما همچنان به آنها هشدار داده می‌شد که از خوردن خون پرهیز کنند چون خون حیات جسم است و حیات متعلق به خدا است.

12: 29-32 به یهودیان رسماً هشدار داده شد که در مورد مراسم بت پرستی بت پرستان حتی سئوال نکنند تا مبادا وسوسه شوند که اعمال شیرانه آنها را حین پرستش خدای حقیقی انجام دهند. آیه 31 مربوط به اعمال وحشتناکی است که همراه با پرستش مولک و چموش بود. در عهد جدید پولس به ما می‌گوید که ماورای بت پرستی انگیزه‌ای شیطانی وجود دارد (اول قرن‌تین 10 : 21). آیا وقتی به ماهیت واقعی بت پرستی پی می‌بریم ممکن است از ظلم و حقارت آن تعجب کنیم؟ امتهایی که در تئیه بدانها اشاره شده نشان می‌دهند که قلب انسان با قدرت بیشتری این تاریکی‌ها را جذب میکند تا اینکه در جستجوی نور خدای حقیقی باشد. سلیمان سومین پادشاه اسراییل، واقعا در شهر اورشلیم که خدا نام خود را بر آن گذاشته بود، مذبحی برای چموش و مولک ساخت (اول پادشاهان 11 : 7).

ب - 7. مجازات انبیای کاذب و بت پرستان (باب 13)
افراد یا گروههایی که قوم خدا را به بت پرستی وسوسه کنند باید سنگسار می‌شدند خواه نبی بوده (آیات 1-5)، یا بستگان نزدیک (آیات 6-11) یا کل ساکنان یک شهر (آیات 12-18). نباید از نبی‌ای که مردم را تشویق به بت پرستی می‌کند پیروی کرد، حتی اگر معجزاتی که پیش بینی می‌کند حقیقت پیدا کنند. چنین شخصی نبی کاذب بوده و باید سنگسار شود. حتی اگر خویشاوندی نزدیک خانواده خود را به بت پرستی ترغیب کند او نیز باید کشته شود.

پسران بلیعال در آیه 13 پسران فرومایه یا پسران اوباش بودند (عبری بلیعال). هر گروهی که مردم را از خدا دور کند و به بت پرستی بکشانند باید کشته شود همراه با ساکنان آن شهر و آن شهر بایستی سوزانده شود.

همین رفتار باید با شهر بت پرست اسراییلی بشود درست مانند شهرهای کنعانی - یعنی نابودی کامل. خدا از کسی طرفداری نمی‌کند و گناه را به شدت مجازات می‌کند حتی اگر از بین قوم برگزیده او باشد. ولی انگیزه او متفاوت است در ارتباط با شهر یهودی انگیزه او تادیب پدران است و دید او اصلاح کل قوم است.

ب - 8. غذاهای پاک و ناپاک (14: 1-21)

14 : 1، 2 این دو آیه آسیب زدن به جسم در هنگام عزاداری را منع می کنند . یهودیان بیشتر از امتها برای جسم خود به عنوان مخلوق خدا ارزش قائل بودند .

14 : 3-21 الف این پاراگراف موضوع غذاهای پاک و ناپاک را مرور می کند از حیوانات گرفته (آیات 4-8) ، تا ماهی (آیات 9 ، 10) ، حشرات بالدار (آیه 19) ، یا پرندگان (آیات 11-18 ، 20) . (برای استثنائات آیه 19 لایوان 11 : 21 ، 22 را ملاحظه کنید) . فهرستی مشابه در لایوان 11 ارائه شده است . این دو لیست از نظر جزییات مشابه یکدیگر نمی باشند و قرار هم نبود که اینطور باشد . بعضی حیوانات بنا به دلایل بهداشتی و بعضی به خاطر استفاده در مراسم بت پرستی و یا تکریم و ستایش آنها توسط بت پرستان ناپاک به حساب می آمدند .

اصل عهد جدید در ارتباط با غذا در مرقس 7 : 15 ، رومیان 14 : 14 و اول تیموتائوس 4 : 3-ب 5 یافت می شود . امتها اجازه داشتند لاشه حیوان مرده را بخورند در حالیکه یهودیان این اجازه را نداشتند (آیه 21 الف) . خوردن لاشه حیوان مرده تجاوز به تثنیه 12 : 23 است چون در این حالت خون حیوان به طرز صحیح از بدن او خارج نمی شود .

14 : 21 ب گوشت بزغاله را نباید در شیر مادرش پخت (آیه 21 ب) . (احتمالاً این کار عادی کنعانی بوده که سه بار در تورات ممنوع شده است) . از نقطه نظر طبیعی این قانون مردم را از مسمومیت با این نوع گوشت که بسیار رایج بود محافظت می کرد . به علاوه ثابت شده است که وقتی این دو با هم پخته می شوند ارزش کلسیم آنها از بین می رود . از همین قانون جزییات قوانین ربی ها در ارتباط با جدا خوردن گوشت و محصولات لبنی استخراج شده است .

ب - 9. ده یک (14: 22-29)

14 : 22-27 در ارتباط با موضوع ده یک است . بعضی مفسرین معتقدند که این قسمت مربوط به اولین ده یک نیست (لایوان 27 : 30-33) که تنها متعلق به خدا بود و به لایوان داده می شد و اسرایلیان نمی توانستند از آن بخورند . بلکه این قسمت مربوط است به دومین ده یک به نام ده یک اعیاد که شخص هدیه دهنده می توانست قسمتی از آن را خودش بخورد . به طور کلی ، دومین ده یک می بایست به مکانی آورده می شد که خدا برای پرستش تعیین کرده بود . اما اگر راه هدیه دهنده دور باشد و نتواند ده یک خود را به آن مکانی که یهوه ، نام خود را بر آن بگذاشت ببرد

پس می تواند هدیه خود را با پول تعویض کند و پول را به محل مقدس خدا ببرد و در آنجا غذا و نوشیدنی بخرد و در حضور خداوند از آن لذت ببرد. در آیه 26، کتابمقدس ریاضت کامل را تعلیم نمی دهد بلکه اعتدال، پرهیزگاری، آزادی از اعتیاد و پرهیز از هر آنچه که موجب رنجش دیگران می شود. تفاوت بین شراب و مسکرات (نوشیدنی قوی) این بود که شراب از انگور و مسکرات از جو، میوه یا عسل ساخته می شد. لازم است که به مدت دو سال شخص هدیه آورنده ده یک و یا معادل پولی آن را به آن مکان بیاورد.

14 : 28 ، 29 در سومین سال، ده یک را در خانه و برای خوراک دادن به لاویان، غریبه ها، یتیمان و بیوه ها استفاده می کنند. یکبار دیگر می بینیم که از نظر خدا فقرا و نیازمندان در اولویت می باشند. "وقتی به یک فقیر کمک می کنی، مثل این است که به خداوند قرض می دهی و خداوند است که قرض تو را ادا می کند" (امثال 19 : 17).

ب - 10. رفتار با مقروضان و برده ها (باب 15)

15 : 1-3 در پایان هر هفت سال، باید وامهای تمام فرزندان اسراییل بخشیده شود. هفتمین سال احتمالاً مصادف بود با سال سبت. لازم نبود که یهودیان وامهایی را که به خارجیها داده بودند ببخشند، این قانون فقط شامل یهودیان می شد. متیو هنری چنین شرح می دهد:

هفتمین سال، سال آزادی بود که در آن هیچ زمینی کشت نمی گردید و غلامان از خدمتشان آزاد می گردیدند. یکی دیگر از اعمال محبت آمیز که در آن سال انجام می شد در رابطه با آزادی کسانی بود که پول قرض گرفته بودند و نمی توانستند آن را پس دهند اما اگر می توانستند آن را بازپس بدهند از نظر وجدانی باید اینکار را می کردند ولی از نظر قانونی شخص قرض دهنده نمی توانست دیگر مدعی آن باشد.

هفت در کتابمقدس عدد پری و کمال است. وقتی زمان به کمال رسید خدا پسرش را فرستاد تا از طریق او بخشش از گناهان را اعلام کند - سال آزادی برای تمام بشر.

15 : 4-6 آیه 4 به نظر میرسد با آیه 11 در تناقض است

. آیه 4 بیانگر زمانی است که هیچ فقیری در سرزمین وجود نخواهد داشت در حالیکه آیه 11 می گوید فقرا همیشه وجود خواهند داشت. یادداشت بولینگر در این مورد کمک کننده است. او پیشنهاد می کند که آیه 4 بدین معنی است که "فقیری در میان شما نباشد" یا به عبارت دیگر هر هفت سال آنها باید برادران مقروض خود را آزاد می کردند تا بعضی از مردم همیشه در فقر نباشند. قرض دهنده نباید ناراحت باشد چون خدا او

را برکت می دهد. ایده موجود در آیه 11 این است که فقرا همیشه وجود خواهند داشت تا حدی به دلیل مجازات و یا به خاطر تعلیم دیگران به داشتن رحم و شریک سازی دیگران در اموالشان.

15 : 7-11 این حقیقت که تمام قرض ها در سال هفتم بخشیده می شوند نباید مانع دادن وام به فقرای اسرائیل در سالهای نزدیک به سال هفتم شود . این ممانعت از دادن قرض اساس و یا تفکر شریرانه آیه 9 است. در این ارتباط ، قوم یهود در سرتاسر تاریخ به حمایت از یکدیگر شهرت داشتند . پولس در دوم قرن تیان 9: 7 سخنی را بیان می کند مشابه با آنچه موسی در آیه 10 می گوید " خدا بخشنده خوش را دوست می دارد " . این آیه نه تنها یک فرمان بلکه یک وعده است چون خدا مقروض به انسان نمی ماند. " شخص سخی فربه می شود، و هر که سیراب می کند خود نیز سیراب خواهد گشت" (امثال 11 : 25).

15 : 12-15 غلام عبرانی نیز باید در سال هفتم آزاد شود (آیات 12-18) . اما قبل از آزاد کردن او نخست باید او را سخاوتمندانه برکت دهد. زمانی که خدا قومش را از بندگی در مصر رهایی داد به آنها به فراوانی برکت داد (خروج 12 : 35 ، 36) و به همین علت غلامی که آزاد می شود نباید تهی دست روانه شود . خواست خدا این است که قومش نمونه او را دنبال کنند یا به قانون طلایی عمل کنند " و چنانکه می خواهید مردم با شما عمل کنند، شما نیز به همانطور با ایشان سلوک نمایید" .

15 : 16-18 از طرف دیگر غلام می تواند آزادی را نپذیرد و " غلام محبوب ابدی " باشد . سپس تصمیم خود را با سوراخ کردن گوشش به نزد در صاحبش نشان می دهد. ارزش کار یک غلام دو برابر یک کارگر استخدای بود.

15 : 19-23 با شروع آیه 19 و ادامه آن تا 16 : 17 ، قوانینی داریم در ارتباط با اعمال مشخصی که قرار بود در مکانی که خداوند نامش را بر آن قرار داده بود انجام شوند:

1. وقف حیوانات نخست زاده (15 : 19-23) .
2. فصیح و عید نان فطیر (16 : 18)
3. عید هفته ها یا پنطیکاست (16 : 9-12) .
4. عید خیمه ها (16 : 13-17) .

نخست زاده حیوانات پاک می بایست به خدا تقدیم می شد و قوم اجازه داشتند سهم خود را از آن بخورند اما نه خون

آن را. حیوانات قربانی می بایست بی عیب و لکه می بودند یعنی بهترین برای تقدیم به خدا.

ب - 11. تعیین سه عید (باب 16)

16 : 1-8 باب 16 مروری است بر سه عید اسراییل که در طی آن هر سال مردان قوم به مکانی که خداوند برگزیده بود می رفتند. مودی در مورد اهداف آنها از این کار چنین می نویسد،

اعیاد مقدس به خاطر این فواید و به جهت این اهداف انجام می شد:

تمایز قوم خدا از سایر اقوام

یادآوری مداوم مزایایی که قبلاً به آنها داده شده بود
نمونه و تصویری از مزایایی که هنوز از طریق مسیح قابل حصول است

متحد ساختن قوم خدا در پرستش مقدس

حفظ تقدسی که در پرستش مقدس وجود دارد که خدا آن را توصیه کرده بود.

فصح و عید نان فطیر با هم ارتباط نزدیکی داشتند.

عید فصح در آیات 1 ، 2 ، 5-7 ؛ عید نان فطیر در آیه 3 ، 4 و 8 شرح داده شده است. این اعیاد به این خاطر بود تا قوم خدا کار رهایی بخشی را که خدا برای آنها انجام داده بود به خاطر بیاورند. شام خداوند برای ایمانداران عهد جدید عیدی هفتگی بود ، خاطره مسیح یعنی فصح ما که به خاطر ما قربانی شد. عید نان فطیر نوعی از زندگی را به تصویر می کشد که فدیة شدگان باید آن زندگی را داشته باشند یعنی زندگی پر از حمد خدا "به اندازه برکتی که یهوه، خدایت، به تو عطا فرماید، بدهد (آیه 17) و آزاد از بداندیشی و شرارت (اول قرن‌تیان 5 : 8) .

در این قسمت جزییات مربوط به فصح از چند جنبه با

جزئیات موجود در خروج 12 و 13 متفاوت است . برای مثال ، آنچه می‌توان به عنوان قربانی گذراند و محل آوردن قربانی در هر قسمت متفاوت است.

16 : 9-12 عید هفته ها (پنطیکاست) با نوبر گندم

شروع می شود که سمبلی است از عطای روح القدس. نباید آن را با عید نوبر میوه (جو) اشتباه گرفت که در دومین روز عید نان فطیر برگزار می شد. هدایای داوطلبانه همانطور که در دوم قرن‌تیان 8 و 9 آمده است متناسب است با برکتی که خداوند به تلاش فردی افراد می دهد که در این مورد برکت محصولات او است .

16 : 13-15 عید خیمه ها در پایان فصل برداشت محصول بود و در انتظار زمانی است که اسراییل در آن سرزمین تحت سلطنت مسیح دوباره گرد هم می آیند.

16 : 16 ، 17 سه بار در سال تمام مردان اسراییل می بایست با هدیه ای در حد توانایی شان به حضور خدا حاضر می شدند. مودی معنی روحانی این سه عید را که شرکت در آنها برای الزامی بود چنین شرح می دهد:

فصح ، پنطیکاست و عید خیمه ها نمونه ای هستند از رهایی کامل :

از طریق مصائب صلیب : رنج.

با آمدن روح القدس : فیض.

با پیروزی نهایی همراه با آمدن پادشاه : جلال.

16 : 18-20 داوران می بایست صادق ، عادل و بیطرف باشند و نباید رشوه بگیرند چون رشوه باعث می شود که انسان نتواند منصفانه داور شود.

16 : 21 ، 22 ستون چوبی (عبری اشیره) دیرکی از چوب درخت و نمایانگر الهه بت پرستان بود. در نهایت باید مذبح در هیکل در اورشلیم قرار گیرد جایی که هیچ درختی را نمی شد به آسانی در آنجا کاشت اما سمبل بت پرستی را می توان در آنجا نصب نمود و بالاخره هم همینطور شد (دوم پادشاهان 6:23).

ب-12. داوران و پادشاهان (باب 17)

17 : 1 حیوانات قربانی می بایست بی عیب بوده چون نمونه ای بودند از بی گناهی و بی عیبی بره خدا.

17 : 2-7 شخص مشکوک به بت پرستی باید امتحان شود . در این مورد شهادت دو تا سه نفر ضروری بود و در صورت محکومیت سنگسار می شد.

17 : 8-13 اگر مشکلاتی قانونی پیش می آمد که حل آنها به دست مشایخ شهر دشوار به نظر می رسید باید آن مشکلات را به نزد داور می بردند. با مقایسه 17:9 با 17:12 و 17:19 چنین به نظر می رسد که این موارد دشوار با گروهی از کاهنان یا داوران مطرح می گردید. کاهن اعظم و رئیس داوران به ترتیب رهبران اسراییل بودند و این حقیقت به طور ضمنی با استفاده از حرف تعریف موجود در آیه 12 بیان شده است. این محکمه جایی جمع می شدند که مکان مقدس خدا بود. تصمیم این محکمه قطعی بود و دادگاه عالی اسراییل به شمار می آمد . اگر شخص مجرم از کاهن .. یا داور سرپیچی کند باید کشته شود (آیات 12 ، 13) .

17 : 14-20 خدا آرزوي مردم را براي داشتن پادشاه از 400 سال قبل پيش بيني کرده بود و خصوصيات يك حاکم واجد شرايط را بدین ترتيب بيان کرد : (1) او بایستی مرد منتخب خدا باشد (آیه 15). (2) او بایستی اسرایلی باشد - او باید از قوم شما باشد (آیه 15). (3) او نباید تعداد اسبان خود را زیاد کند - یعنی نباید برای پیروزي بر دشمنان خود به نیروهاي طبیعی تکیه کند (آیه 16). اعتماد او باید بر خداوند باشد . (4) با این تصور که اسبها مي توانند آنها را نجات دهند نباید مردم را به مصر بفرستد (آیه 16). (5) او نباید زنهای فراواني داشته باشد (آیات 17). این فقط منع تعدد زوجات و یا هشداري نبود نسبت به خطر تعدد زوجات که مي تواند او را به بت پرستي بکشاند بلکه ممنوع کردن ازدواج هايي است که به منظور اتحاد بين دولتها صورت مي گرفت (آیه 17). (6) او نباید برای خود نقره و طلاي زياد جمع کند چون اینکار او را از وابستگي به خداوند دور مي کند (آیه 17). او باید شريعت خداوند را بنويسد ، بخواند و اطاعت کند تا مبادا مغرور و خودسرشود (آیات 18-20). با گذراندن وقت مداوم بر شريعت خدا پادشاه مبدل به نمونه اي براي قوم خدا مي شود (8) او نباید مغرور شود (آیه 20) .

سليمان که در روزگار درخشان اسرایيل بر آنجا سلطنت مي کرد تقريباً تمام این دستورات را زیر پا گذاشت تا به حد نابودي خود و سلطنت (اول پادشاهان 10 : 14-11 : 10) .

ب- 13. کاهنان، لاويان و انبياء (باب 18)

18 : 1-8 باز هم محبت خدا نسبت به کاهنان و لاويان را مي بينيم. به دليل اینکه که آنها از ميراث زمين سهمي نداشتند مي بایست مورد حمايت قوم قرار مي گرفتند. سهم آنها از قرباني ها شانه، دو بناگوش (استخوان فك) و شکمبه و همچنين نوبر محصولات، شراب، روغن زيتون و پشم گوسفندان بود. آیات 6-8 شرح ماجراي لاوي است که خانه خود را مي فروشد تا به مکاني برود که خدا نام خود را بر آن قرار داده است و خدا را در آنجا خدمت کند. او همراه با ساير لاويان از قرباني ها سهمي داشت و علاوه بر این در هر آنچه که از فروش ميراثش حاصل مي شد. (لاويان مي توانستند ملك شخصي داشته باشند گرچه قبیله آنها از سرزمين ميراثي دريافت نکرد).

18 : 9-14 اسرایيليان اجازه نداشتند که با کسانی تماس داشته باشند که در ارتباط با دنياي غير مرئي بودند . به هشت طريق براي تماس با دنياي ارواح اشاره شده است . خدا آنها را رجاسات نامیده است که عبارتند از :

فالگیر (ساحر یا جادوگر) ، ... غیب گو (پیش بینی کننده یا پیامبر کاذب) ، ... افسونگر (کف بین ؛ طالع بین) ، ... جادوگر (جادوگر قبيله) ، ... ساحر (طلسم گر) ، ... سؤال کننده از اجنه (واسطه با دنیای ارواح) ، ... رمال (احضارکننده ارواح) ، ... وکسی که از مردگان مشورت (غیبگویی از طریق تماس با مردگان) . بعضی از این حرفه ها به هم شباهت و قابل تفکیک نیستند .

متأسفانه هنوز به این تحریم 3400 ساله به همان اندازه در این دنیای مدرن و روشن فکر مورد نیاز است . هنری جی بوش می نویسد :

شیطان پرستی ، ارواح پلید و مذاهب پنهانی حقه نیستند بلکه واقعیت دارند . یکی از نشانه های نزدیک شدن به پایان این دوران این است که علاقه به جادوگری ، طالع بینی و شکل های مختلفی از مذاهب پنهانی افزایش یافته است . هزاران نفر هر روز در مورد طالع خود مشورت می کنند ، در جلسات احضار ارواح شرکت می کنند یا در جستجوی ارتباط با عزیزان از دست رفته خود هستند . همچنین علاقه شدیدی نسبت به شیطان پرستی و ارواح پلید بوجود آمده است . کتاب مقدس مکراراً نسبت به این اعمال هشدار می دهد (لاویان 19: 31 ؛ 20: 27 ؛ دوم تواریخ 33: 6 ؛ ارمیا 2: 10 ؛ غلاطیان 5: 19 ، 20) . هشدارهای کتاب مقدس بسیار به روز و جدی هستند ! مبادا با چیزی بازی کنیم که باعث تباهی شود . در ارتباط با روابط ممنوع با اقوام دیگر ، "کامل بودن" (آیه 13) ، فقط به معنای شنیدن صدای خدا می باشد .

18: 15 - 19 در مقایسه صریح با رهبران شریر مذاهب سری ، آیه 15 نبوت زیبایی در مورد مسیح ، نبی حقیقی خدا ، ارائه می کند (اعمال 3: 22 ، 23) . به توضیحات موجود در آیه 15 ، 18 و 19 توجه کنید : (1) نبی یعنی کسی که کلام خدا را می گوید ؛ (2) از میان تو یعنی کاملاً انسان ؛ (3) از برادرانت یعنی یک اسرائیلی ؛ (4) مثل من یعنی مثل موسی از لحاظ برگزیدگی از طرف خدا ؛ (5) کلام خود را به دهانش خواهم گذاشت یعنی پر از الهام ؛ (6) و هر آنچه به او امر فرمایم به ایشان خواهد گفت یعنی پر از مکاشفه ؛ (7) همه مسئول شنیدن و اطاعت از او هستند .

این قسمت نیز چنین تعلیم می دهد که این نبی مانند یک واسطه بین خدا و انسان عمل خواهد کرد . قوم آنقدر در کوه سینا ترسیده بودند که از خدا خواستند دیگر با آنها به طور مستقیم سخن نگوید و دیگر آن آتش را نبینند مبادا

کشته شوند . در پاسخ به درخواست آنها خدا مسیح را به عنوان شفیع وعده می دهد . این قسمت که حامل امید مسیحایی باری یهودیان بود به وضوح در اناجیل دیده می شود (یوحنا 6 : 14 ؛ 7 : 40) .

18 : 20-22 انبیاء کاذب را از چند طریق می توان تشخیص داد . قبل از چینی یاد گرفتیم که اگر آنها مردم را از پرستش خدای حقیقی دور کنند نبی کاذب می باشند (13 : 1-5) اما در اینجا روش دیگری برای تشخیص وجود دارد : اگر پیشگویی او واقع نشد آن نبی باید به مرگ سپرده شود و هیچکس نباید از لعنت او بترسد .

ب - 14 . قوانینی برای جنایتکاران (باب 19)

19 : 1-10 سه شهر ملجاء قبل از شرق اردن جدا شده بود و در اینجا موسی به قوم یادآوری می کند که سه شهر دیگر ، با موقعیتی مناسب ، در بخش دیگر جدا کنند به طوری که قاتلین بتوانند از دست ولی خون به آنجا فرار کند (آیات 1-7) . در صورتی که تمام قلمرو موعود توسط قوم تصاحب شود به دستورات قبلی در ارتباط با این موضوع ، تدارک سه شهر دیگر ملجاء اضافه شد (آیات 8-10) . هیچ دستور دیگری در ارتباط با این سه شهر اضافی داده نشده است چون اسراییل هیچگاه نتوانست تمام سرزمینی را که در پیدایش 15 : 18 وعده داده شده بود تصاحب کند . سه شهر واقع در غرب اردن ، قادش ، حبرون و شکیم بودند (یوشع 20 : 7) .

19 : 11-13 شهر ملجاء برای قاتل امنیت ایجاد نمی کرد . حتی اگر او به یکی از این شهرها فرار می کرد مشایخ می بایست شواهد را ارزیابی و در صورت گناهکار یافتن او ، قاتل را به ولی خون تحویل دهند .

19 : 14 حد همسایه سنگی بود که در مزرعه برای مشخص کردن مرزها ی زمین شخص استفاده می شد . این امکان وجود داشت که سنگ توسط صاحب مزرعه جابجا شود تا حدود زمین خود را افزایش دهد . گفتن اینکه چرا این آیه در قسمت داوری ، یعنی شهرهای ملجاء و شهادت راست و دروغ ، آمده است مشکل است اما محل ذکر آیه تعلیم آن را بی اهمیت نمی کند .

19 : 15-21 در موارد قانونی تنها شهادت یک نفر کافی نیست بلکه باید دو یا سه نفر شاهد وجود داشته باشند . شهادت دروغ بایستی توسط کاهنان و داوران امتحان شود (17 : 8 ، 9) و با مجازات همان جرمی تنبیه شود که مدعی را به آن متهم ساخته است (آیات 16-21) .

قانون "چشم به عوض چشم"، و "دندان به عوض دندان" در فرهنگ غرب Lex talionis (عبارت لاتین "شریعت انتقام") نامیده می‌شود. معمولاً این عبارتها را به اشتباه به انتقام جویی تعبیر می‌کنند اما اینطور نیست. این قانون جوازی برای ظلم و ستم نیست و برعکس تعیین حد و حدود آن است. در این متن مربوط است به نوع مجازاتی که بر شاهد کاذب روا می‌باشد.

ب-15. قوانینی در ارتباط با جنگ (باب 20)
20 : 1-8 باب 20 مقررات جنگی قوم خدا است. کاهنان مسئولیت داشتند قوم خدا را به مقابله با دشمنان تشویق کنند. بعضی طبقات از خدمت نظام معاف بودند : (1) آنکه خانه نو بنا کرده ؛ (2) آنکه به تازگی تاکستانی غرس نموده و هنوز از آن بهره ای نبرده ؛ (3) آنکه هنوز با نامزد خود عروسی نکرده ؛ (4) آنانی که ترسان و ضعیف دل هستند .

نویسندگان یهودی توافق دارند که این آزادی در بازگشت از جنگ فقط در موارد داوطلبانه مجاز بود و شامل جنگهایی نمی‌شد که به فرمان الهی علیه عمالیک و کنعانی‌ها انجام می‌شد. در این موارد تمام مردان باید به جنگ می‌رفتند.

20 : 9 از آنجایی که در هر ارتش خوبی سازماندهی و سلسله مراتب وجود دارد ، سروران قوم سرداران لشکر را تعیین کنند تا مردم را هدایت کنند .

20 : 10-20 بر خلاف سایر ملل ، اسراییل باید در جنگ تحت رهبری یهوه متفاوت با بقیه باشد. این تفاوت بیشتر باید منعکس کننده این باشد که اسراییل قومی مقدس است و رهبر او خدای محبت می‌باشد. جنگ الزامی بود ولی خدا شرارت ناشی از آن را تحت کنترل می‌گیرد .

شهرهای دور و نزدیک (10-18) . شهرهای موجود در سرزمین در معرض خطر قرار داشتند ، شهرهایی کاملاً فاسد و سزاوار نابودی. در وهله نخست می‌بایست به شهرهای خارج از آن سرزمین که باز هم در محدوده ای بودند که به ابراهیم وعده داده شده بود با نیت صلح آمیز برخورد می‌شد. فقط مردان آنجا، در صورت نپذیرفتن صلح ، کشته می‌شدند بچه‌ها و زنها زنده می‌ماندند. این شهرها مانند شهرهای مرزی اسراییل خطری از نظر فاسد کردن اسراییل به شمار نمی‌آمد.

درختان بارور و بی ثمر (19 ، 20). قانون این قسمت این است که اسراییل نباید دست به جنگهای ویران کننده بزند. آنها می بایست به جای نابودی کل سرزمین از تمام چیزهای مفید محافظت کنند.

ب - 16. قوانین مختلف (بابهای 21-25)

ب - 16 - 1. کفاره قتل نامعلوم (21: 1-9)

اگر در آن سرزمین جسد مردی را کشته یافتند .. و قاتل را نمی شناختند لازم بود که در چنین مواردی مشایخ شهری که به محل قتل نزدیکتر بود برای آن کفاره کنند. آنها گوساله ای را به کنار نهری با آب جاری برده و آن را در آنجا بکشند. بعد از اینکه دستهای خود را بر روی گوساله شستند بی گناهی خود را اعلام کرده و می طلبیدند که گناه هیچ خونی به آنها نسبت داده نشود. حتی وقتی گناه فردی قابل اثبات نباشد باز هم لازم است که به آن به صورت گناه جمعی رسیدگی شود ؛ آن سرزمین می بایست از ناپاکی خون مصون بماند و این مسئولیت نزدیکترین شهر به محل قتل بود.

شخصی آیات 1-9 را " بازجویی مهم خدا در مورد پسرش" نامیده است. اسراییل مسئول قتل مسیح است و باید از خون او به روشی صحیح پاک شود .

ب - 16 - 2. اسرای مونت جنگ (21: 15-17)

یک اسراییلی این اجازه را داشت که بعد از انجام مراسم پاکی و تقدس با زن زیبایی که در جنگ به اسیری گرفته شده است ازدواج کند (اما این قسمت در مورد ساکنان مونت سرزمین کنعان صدق نمی کرد). این ازدواج ماهیتی موقتی داشت و او در صورتی که از او ناراضی بود می توانست او را ترک کند. در هر صورت او نمی توانست آن زن را بفروشد یا نسبت به او بی رحم باشد.

ب - 16 - 3. حقوق نخست زاده (21: 15-17)

فرزند زنی که مورد علاقه شوهرش نمی باشد در صورتیکه نخست زاده باشد نباید از حق فرزندی خود محروم شود. این آیات ثابت نمی کند که خدا تعدد زوجات را تایید کرده است بلکه فقط در موارد تعدد زوجات از حقوق نخست زاده دفاع کرده است. بعضی مواقع خدا مقتدرانه نخست زاده را به کنار می گذارد تا جوانتر را برکت دهد یعنی در موارد یعقوب و عیسا ، افرایم و منسی . اما این یک استثناء بر اساس

برگزیدگی و انتخاب الهی است و قانونی نیست که اینجا بر آن تأکید شده است.

ب - 16 - 4. پسران سرسخت و یاغی (21: 18-21)
بعد از اثبات گناهکار بودن پسر سرکش توسط رهبران شهر ،
او باید سنگسار شود. این قسمت را مقایسه کنید با پذیرش
پسر گمشده در لوقا 15 .

ب - 16 - 5. اجساد مجرمین به دار آویخته شده (21: 22-23)
این متن قطعاً به مسیح اشاره می‌کند گرچه او بی گناه بود
اما بر دار آویزان شد و لعنتی را بر خود گرفت که ما
سزاوار آن بودیم. اجازه ندادند تا بدن او شب بر صلیب
بماند (یوحنا 19: 31) .

بر او که به قیمت جان خود جانهای ما را خرید
حمد ، ستایش و جلال باد
بزه قربانی شده شایسته است زیرا کشته شد !
بر پسر که بر تخت می نشیند
تمام قدرت آسمان و زمین در دست اوست
ستایش و جلال و قدرت،
بزه قربانی شده شایسته است زیرا کشته شد !

ب - 16 - 6. نه قانون رفتاری (22: 1-22)
22 : 1-3 باب 22 لایوان 18:19 را بسط می دهد و فرمان
کلی "همسایه خود را دوست بدار " را شرح می دهد . حتی با
دشمنان نیز باید مانند همسایه خود رفتار کرد (خروج 23
: 4، 5) . يك اسرایلی نباید نسبت به چیزی که همسایه اش
(برادر) از دست داده بی تفاوت باشد . خواه آن چیز
حیوان باشد یا لباس یا هرچیز دیگر باید شی گمشده را به
خانه ببرد آن را نگهدارد تا صاحب آن پیدا شود .

22 : 4 يك اسرایلی باید به همسایه خود کمک کند تا حیوانش
را که افتاده بلند کند .

22 : 5 مردان نباید لباس زنان را به تن کنند یا برعکس .
خدا تقلید از لباس جنس مخالف را دوست ندارد .

22 : 6 ، 7 جوجه پرنده ها را می‌توان از آشیانه برداشت ولی
احتمالاً به دلیل امکان ادامه تولید مثل
مادرشان را باید آزاد کرد .

22 : 8 وجود نرده یا دیواره دورتادور پشت بام مسطح از سقوط مردم پیشگیری می‌کند. پشت بامها محل مشارکت مردم بود و محافظت از آنها به خصوص به خاطر جوانان و افراد بی احتیاط بسیار مهم بود.

22 : 9-11 برای یهودیان ممنوع بود که (1) در تاکستان خود بذرهایی متفاوت بکارند ؛ (2) برای شخم زدن، گاو(پاک) و الاغ (نپاک) را در یک یوغ ببندند ؛ (3) لباسی که از مخلوط پشم و نخ بافته شده باشد بپوشند. مورد اول این ممنوعیت را مطرح می‌کنند که نباید به تعلیم خالص کلام خدا چیزی اضافه کرد . مورد دوم یوغ نابرابر را در خدمت مطرح می‌کند. مورد سوم از مخلوط عدالت و ناعدالتی در زندگی عملی ایماندار سخن می‌گوید .

22 : 12 یهودیان می‌بایست در چهارگوشه لباس خود منگوله بدوزند تا همیشه یادشان بیاید که از خدا اطاعت کنند (اعداد 15 : 37-42). دلیل دوختن این منگوله ها در اعداد 15 : 37 و بعد از آن آمده است.

ب - 16 - 7. گناه بی‌عصمتی (22 : 13-30)

22 : 13-21 این پاراگراف مربوط است به مردی که با دختری ازدواج می‌کند و به باکره بودن او شک دارد. اثبات باکرگی احتمالاً با وجود لکه‌هایی بود که بعد از اولین نزدیکی جنسی بر بستر ازدواج به جا می‌ماند. اگر پدر و مادر می‌توانستند مدرک بکارت دختر خود را ارائه کنند شوهر شکاک باید سخت‌تنبیه شود و یک صد تکه نقره به عنوان جریمه پرداخت کند و با آن دختر زندگی کند. اما اگر آن دختر مرتکب فساد شده باید سنگسار می‌شد.

22 : 22-30 بقیه آیات این باب در ارتباط با انواع

مختلف گناهان جنسی است : (1) هم‌مرد و هم‌زنی که حین زنا گرفته می‌شوند باید کشته شوند. (2) اگر مردی در شهر به نامزد خود تجاوز کند و آن دختر در آنزمان درخواست کمک نکند هر دو مرتکب زنا شده و باید کشته شوند . (3) اگر مردی در مزرعه به نامزد خود تجاوز کند و کسی فریاد کمک آن دختر را نشنود پس آن زن بی‌گناه است و فقط آن مرد باید کشته شود . (4) مردی که با دختری باکره ارتباط جنسی داشته لازم است به پدر او پنجاه سکه نقره پرداخته و با آن دختر نیز ازدواج کند . (5) آیه 30 زنای با محارم را ممنوع کرده است یعنی داشتن ارتباط جنسی با یکی از اعضاء خانواده .

ب - 16 - 8. آنانی که از ورود به میان جماعت منع شده اند (23: 1-8)

افراد مختلفی از ورود به میان جماعت ممنوع شده بودند یعنی از حقوق کامل يك شهروند یا پرستش کننده : (1) (مردی که دستگاه تولید مثل او آسیب دیده یا قطع شده باشد ؛ (2) شخص حرامزاده یعنی کسی که بدون بستن پیمان زناشویی دنیا آمده است ؛ (3) شخص عمونی یا موآبی ؛ (4) شخص ادومی یا مصری . آیه 4 می گوید موآبی ها با نان و آب به استقبال اسرایلیان نیامدند در حالیکه تثنیه 2 : 29 دلالت بر این دارد که بعضی موآبی ها به یهودی ها غذا فروختند. استقبال .. با نان و آب ، اصطلاحی است به معنی مهمان نوازی است کاری که موآبی ها انجام ندادند.

شخصی خواهی از حضور در جماعت محروم بود . شخص حرامزاده ، موآبی و عمونی تا ده نسل اجازه حضور در جماعت را نداشتند. ادومی ها و مصری ها بعد از سه نسل اجازه ورود داشتند. اما استثنائاتی هم نسبت به این قوانین کلی وجود داشت یعنی اگر شخصی واقعا در جستجوی یهوه بود. در بین مردان قوی داوود هم عمونی و هم موآبی یافت می شد (اول تواریخ 11 : 39 ، 46). بعضی تصور می کنند که قوانین محروم سازی ، فقط شامل مردان می شد نه زنان و به همین علت برای مثال کاربردی برای روت نداشت . بعضی تصور می کنند منظور از " نسل دهم " اصطلاحی به معنی نامحدود است.

ب - 16 - 9. تقدس در اردوگاه (23: 9-14)

آیه 9 در مقابل وسوسه^۱ مردانی هشدار می دهد که در حال خدمت نظامی از خانه دور هستند (یا مقدمه ای است برای آیات 10-14).

قانون غسل شبانه نشان دهنده این است که تولید مثل باید مقدس شمرده شود. به خاطر حفظ بهداشت اردوگاه هر سرباز می بایست همراه با سلاح خود بیلچه ای را حمل کند . تمام فضولات بایستی بلافاصله با خاک پوشانده شود. اگر تمام سربازان موجود در تاریخ این قانون ساده را پیروی می کردند بارها از بروز بسیاری از بیماری ها پیشگیری می شد.

ب - 16 - 10. قوانین اجتماعی و مذهبی (23 : 15-25)

23 : 15، 16 غلام خارجی که از دست صاحبش فرار کرده باشد نباید به دست صاحبش سپرده شود . پس اسراییل باید پناهی برای مظلومین باشد.

23 : 17 ، 18 دختران فاحشه یا پسران لواط در آن سرزمین قابل تحمل نیستند و پولی که از آن کسب و کار غیر اخلاقی بدست آید نباید به منظور ادای نذر به خانه خداوند آورده شود. منظور از "سگ" فاحشه مذکر است.

23 : 19 ، 20 یهودیان نباید چیزی را به سود قرض بدهند گرچه در برابر یک خارجی اجازه این کار را داشتند. این قانون بسط بیشتر قانونی است که در خروج 22 : 25 آمده است که دادن ربا به فقرا را ممنوع کرده است.

23 : 21-23 نذر کردن داوطلبانه است مردان نباید نذر کنند ولی اگر چنین کردند باید آن را پرداخت کنند.

23 : 24 ، 25 مسافران می توانستند برای رفع گرسنگی از تاکستان انگور بچینند اما اجازه ندارد در ظرف خود جمع کند. همینطور اجازه دارد که از مزرعه گندم بچیند اما فقط با دست و بدون استفاده از داس. در روزگار خداوند ، دوازده شاگردش از این امتیاز استفاده می کردند (مرقس 2 : 23).

ب - 16 - 11. طلاق و ازدواج مجدد (24 : 1-4)

مرد می تواند به دلیل ناپاکی زنش، تنها با نوشتن و دادن طلاق نامه ای او را طلاق دهد. بعد از آن او آزاد بود تا با کس دیگر ازدواج کند. اما اگر شوهر دوم او بمیرد یا او را طلاق دهد شوهر اول می تواند باز هم با او ازدواج کند. یهوه به اسراییل نیز طلاق نامه را داد (ارمیاء 1:3-8) اما یکروز دوباره او به نزد خود برده و از بی وفایی تقدیس خواهد کرد. چقدر عمیق است گنج محبت خدا و چقدر او فروتن می شود تا آنانی که لایق دوست داشتن نیستند را دوست بدارد!

ب - 16 - 12. قوانین مختلف اجتماعی (24 : 5-25 : 4)

24 : 5 مردی که به تازگی ازدواج کرده بود لازم نبود تا سال اول به جنگ برود. این قانون به او اجازه می داد تا روابط زناشویی خود را تقویت و بهبود بخشد و یک زندگی خانوادگی را آغاز کند. اگر او به جنگ برود و کشته شود نام او از اسراییل منقطع خواهد شد مگر اینکه بستگان ولی او برای او نسلی بوجود آورد. این ولی یکی از نزدیکترین بستگان بود که به ازدواج با بیوه آن شخص تمایل داشت. نخست زاده حاصل از این پیوند ، وارث شوهر اول محسوب می شد. این کار نام خانوادگی او را حفظ کرده و زمین او را برای خانواده محفوظ می داشت.

24 : 6 از آنجا که سنگ آسیا وسیله امرار معاش يك شخص محسوب مي شد ، در معاملات تجارتي آن را نمي توانبه عنوان گرو مطالبه كرد. گرو گرفتن سنگ آسیا يا سنگ بالايي آن به معني محروميت از يكي از ابزار آسياب كردن برنج است.

24 : 7 دزد يا تاجر برده بايد كشته شود.

24 : 8 ، 9 در هنگام شيوع جزام ، به پيروي از دستورات قبلي كه به لاويان داده شد ، ملاحظات خاصي بايد رعايت شود . مريم به عنوان عبرت ذكر شده است .

24 : 10-13 به منظور گرفتن گرو نبايد به خانه مرد ي وارد شد و اگر آن مرد آنقدر فقير بود كه پيراهنش را به عنوان گرو بخشيد بايد لباسش را شب به او برگرداند تا بتواند با آن بخوابد .

24 : 14 ، 15 دستمزد كارگر يا مزدور بايد بلافاصله به او پرداخت شود.

24 : 16 هيچكس نبايد به خاطر گناه ديگري كشته شود.

24 : 17-22 داوري و عدالت بايستي در مورد غريب ، يتيم و بيوه اجرا شود . مزرعه نبايد كاملا درو شود و بافه ها بايد براي استفاده فقرا و درمانده ها به جا ماند. همين قانون در مورد درخت زيتون و انگور به كار مي رفت . رونالد سيدر چنين شرح مي دهد كه :

خاطره فقر و ظلم موجود در مصر آنها را تشويق مي كرد تا سخاوتمندانه بافه ها را براي فقراي رهگذر، بيوه ها ويتيمان به جا بگذارند.

زمانی که جان نيوتن تولد تازه يافت اين آيه 22 را با حروف درشت چاپ كرد و آن را بر طاقچه خود آویزان نمود تا هميشه آن را به خاطر بياورد.

25 : 1-3 اگر گناهكار بودن شخصي ثابت شود و او به تازيانه محكوم شود نبايد بيش از چهل ضربه به او زده شود. معمولا يهوديان به سي و نه ضربه شلاق يا تازيانه محكوم مي شدند مبدا در شمارش ضربه اشتباه و اين قانون را زير پا گذارند (دوم قرنيتان 11 : 24 را ملاحظه كنيد) .

25 : 4 دهان گاوي كه خرمن خرد مي كندرا نبايد بست بلكه به او اجازه داد تا مقداري از گندم را بخورد. پولس از اين آيه در اول قرنيتان 9 : 9-11 براي اين تعليم استفاده كرد كه مرد ي كه در امور روحاني خدمت مي كندبايد نيازهاي مادي اش تامين شود. پس پولس به ما نشان داد كه اين قانون داراي جنبه روحاني است . اما اين جنبه از

معنای تحت اللفظی این آیه نمی‌گاهد؛ بلکه فقط نشان می‌دهد که در بسیاری موارد در وراي ظواهر، درسي روحاني نهفته است. شاگرد سخت کوش به دنبال دروس روحاني است و به آنها توجه می‌کند.

ب - 16 - 13. قانون ازدواج با زن برادر (25 : 5-10)
اگر يك اسراييلي بميرد و از خود پسري براي همسرش به جا نگذارد ، نام او در معرض خطر نابودي است و ملك او از خاندان او گرفته مي شود . پس برادرش بايد با بيوه او ازدواج کند . اين قانون يعني " قانون ازدواج با زن برادر " در بسياري اقوام باستان اجراء مي گرديد . اگر برادر آن شخص راضي به اين كار نبود ، بيوه او مي بايست به نزد مشايخ شهر رفته و اين حقيقت را به آنها اعلام کند . مشايخ او را فراخوانده و به او فرصت مي دهند تا عدم اشتياق خود را تاييد کند . اگر او بر عدم تمايل خود اصرار ورزد ، زن بيوه كفش او را از پايش در آورده و به صورتش آب دهان بيندازد . و چون او حاضر به جاوداني كردن خاندان برادر خود نشد از آن پس او با اين نام ننگ آميز شناخته خواهد شد .

لاويان 20 : 21 شخص را از ازدواج با زن برادرش منع مي‌کنند در حالي که اين قسمت فرمان ازدواج با او را مي‌دهد. بي شك لاويان در مواردی کاربرد دارد که شوهر آن زن هنوز زنده است در حالیکه تثنیه مربوط به زمانی است که شوهر او مرده است و پسری از او نمانده تا وارث او باشد .

ب - 16 - 14. سه قانون متمایز (25 : 11-19)
25 : 11 ، 12 اگر زني در دعوايي که شوهرش در آن مداخله دارد گستاخانه دخالت کند و عورت مرد ديگر را بگيرد دستي که مرتكب اين عمل شده قطع مي گرديد . احتمالا اين عمل او ممکن بود مردی را از داشتن وارث محروم کند و به همین دلیل مجازات آن سنگین بود .

25 : 13-16 وزنه ها و پيمانه ها بايد دقيق باشند . در بعضي موارد يك دسته از آنها جهت خريد و يك دسته جهت فروش استفاده مي شد . اينكار نزد خدا مکروه بود .

25 : 17-19 به دليل خيانت و بي رحمي عماليقيان ، نسل آنها بايد كاملا نابود مي گرديد (خروج 17 : 8-16) . خطاب به اسراييل گفته مي شود که نابود كردن عماليقيان را فراموش نکند ولي ظاهرا آنها فراموش کردند . شائول در دوران خود با نابود نکردن آنها از خدا ناطعتي کرد

(اول سموییل 15). در حقیقت در روزگار حزقییا بود که آنها "بقیّه عمالقه را که فرار کرده بودند، شکست دادند" (اول تواریخ 4 : 43).

ب - 17. مراسم و تصدیق عهد (باب 26)

ب - 17 - 1. مراسم نوبر میوه (26: 1-11)

بعد از ساکن شدن قوم در سرزمین ، به نشانه قدردانی از آنچه خدا برای ایشان انجام داده بود می بایست نوبر تمام محصولات خود را به مکان پرستش خدا می بردند. آنها می بایست رفتار مهربانانه ای را که خداوند با آنها داشت تکرار کنند : از اجداد آنها یعقوب (آرامی سرگردان) گرفته تا دوران بردگی در مصر ، نجات آنها توسط خدای قادر و بالاخره تا زمان تصرف سرزمینی که در آن شیر و شهد جاری است. فیلیپ کالر این واژه خوش اب و رنگ را چنین توضیح می دهد:

در کلام خدا تصویری که سرزمین موعود را وصف می‌کند یعنی سرزمینی که خدا تلاش بسیار نمود تا اسرائیل را به آنجا هدایت کند این عبارت است که " زمینی که به شیر و شهد جاری است ". نه تنها این عبارت به زبانی تلویحی است بلکه اساسا واژه ای علمی نیز هست . در واژه شناسی کشاورزی می گوئیم "جریان شیر " و " جریان عسل ". با کاربرد این واژه ها منظورمان اوج بهار و تابستان است یعنی زمانی که مراتع در بهترین مرحله باروری هستند. چارپایانی که از علوفه تغذیه می کنند و زنبورهایی که به شکوفه ها سر می کشند گفته می شود به میزان مساوی شیر یا عسل تولید می کنند . پس سرزمینی که سرشار از شیر و عسل است سرزمینی است با مراتع غنی ، سرسبز و پربرکت. و وقتی خدا سخن از چنین سرزمینی می‌کند چنین زندگی پربرکت و پیروزی و رضایت قومش را پیش بینی می کرد.

ب - 17 - 2. مراسم سال سوم یعنی سال عشر (26: 12-15)

علاوه بر نوبر میوه که در بالا اشاره شد ، یهودیان می بایست هر سه سال ده یک دوم را ارائه می‌کردند که میان لایوان ، غریبه ها ، یتیمان و بیوه ها تقسیم می شد. این ده یک بایستی مابین نیازمندان شهر خودشان توزیع می گردید. سپس قوم بایستی در حضور خداوند شهادت می دادند که از تمام فرامین مربوط به ده یک اطاعت کرده اند.

ب - 17 - 3. تصدیق عهد (26 : 16-19)

چون قوم قبول کردند که در طریقهای او سلوک خواهند کرد ، خداوند نیز در عوض آنها را قوم خاص خود خواهد

خواند و آنها را از جمیع امت هایی که ساخته است، بلند گرداند . آنها مردمانی مقدس بودند نه به خاطر لیاقت باطنی آنها ، بلکه چون خدا آنها را از سایر اقوام جدا ساخته بود. آنها از سایر اقوام زمین متفاوت بودند و گنج خاص یهوه به شمار می رفتند. از آنها انتظار می رفت که با اطاعت از فرامین او به جنین افتخاری پاسخ دهند.

ب - 18. لعنت ها و برکات (بابهای 27 ، 28)

27 : 1-8 بعد از عبور از اردن و ورود به سرزمین موعود سنگ بنای بزرگی را به پا کرده روی آن را گچ بگیرند و بر روی آن تمامی کلمات این شریعت را بنویسند . این بنا می بایست بر کوه عیبال بر پا می شد همراه با مذبحی که از سنگ یکپارچه ساخته می شد.

27 : 9، 10 یهودیان از طریق برگزیدگی الهی برای مدتی قوم خدا بودند اما حالا که در حال ورود به سرزمین بودند از نقطه نظر مفهومی خاص قوم او می شدند . در عوض مهربانی خدا نسبت به آنها ، آنها نیز می بایست از روی محبت از او اطاعت می کردند.

27 : 11-13 شش قبیله مسئول این بودند که بالای کوه جرزیم بایستند و به برکات آمین بگویند. این شش قبیله از نسل لیه و راحیل بودند. سایر قبایل می بایست بر کوه عیبال بایستند و لعنتها را بیان کنند . توجه کنید که به افرایم و منسی به طور جداگانه اشاره شده است اما در عوض نام قبیله یوسف در این فهرست نوشته شده است . رئوبین ، نخست زاده اسراییل (که حق نخست زادگی خود را از دست داد) و زبولون جوانترین فرزندان لیه همراه با پسران کنیازها بر روی کوه ایبال قرار داشتند . قبیله های محبوب بر کوه جرزیم ایستادند.

27 : 14-26 لایان (آیه 9 را ملاحظه کنید) در دره مابین دو کوه می ایستادند و حینی که لعنت ها و برکات را اعلام می کردند قوم نیز با آمین ! پاسخ می دادند. لعنتهای موجود در آیات 15-26 مربوط هستند به بت پرست ؛ بی احترامی به والدین (آیه 16) ؛ کسی که با قلب حدود زمین خود را تغییر بدهد (آیه 17) ؛ کسی که شخص نابینایی را فریب بدهد (آیه 18) ؛ سوء استفاده از فقرا و بی پناهان (آیه 19) ؛ انواع مختلف زنا (آیات 20، 22 ، 23) ؛ ارتباط جنسی با حیوانات (آیه 21) ؛ کشتن مخفیانه یک همسایه ؛ گرفتن رشوه برای ریختن خون بی گناه (آیه 25) ؛ و ناطاعتی از شریعت خدا (آیه 26) . شرح تاریخی این مراسم

را می‌تواند یوشع 8: 30 به بعد یافت. توجه کنید که یوشع تا چه اندازه از دستورات موسی پیروی می‌کند.

بسیار اهمیت دارد که فقط لعنت‌ها در باب 27 آمده است. طور دیگری نمی‌توانست باشد همانطور که پولس یادآوری می‌کند " زیرا جمیع آنانی که از اعمال شریعت هستند، زیر لعنت می‌باشند " (غلاطیان 3: 10). فقط اسرایلیان نبودند که شریعت را زیر پا می‌گذاشتند اما در واقع فقط آنها زیر شریعت قرار داشتند .

28 : 1-14 آیه 1 با این کلمات یعنی " یهوه خدایت تو را بر جمیع امت‌های جهان بلند خواهد گردانید " به باب 26 مربوط می‌شود. همین باعث می‌شود که باب 27 داخل پرانتز به نظر برسد. بسیاری از دانشجویان کتاب مقدس تصور می‌کنند برکات اعلام شده در آیات 3-6 برکاتی نیست که بر کوه جرزیم به شش قبیله خطاب شد اما کل این باب بیانیه‌ای است از جانب موسی از آنچه پیش روی فرزندان اسراییل است. چهارده آیه اول از برکاتی سخن می‌گوید که به دنبال اطاعت بدست می‌آیند در حالیکه چهل و چهار آیه آخر شرح لعنت‌هایی است که قوم، با ترک خداوند آنها را تجربه می‌کنند. برکاتی که وعده داده شد شامل برتری در میان اقوام دیگر، ثروت مالی، باروری، فراوانی محصولات، پیروزی در نبرد و موفقیت در تجارت بین‌المللی می‌شد.

28 : 15-37 لعنت‌ها شامل کمیابی، بی‌حاصلی، خرابی محصولات، آفت، بیماری، بلا، خشکسالی، شکست در جنگ، دیوانگی، ترس، بدبختی، فاجعه و ناتوانی (آیات 15-32). آیات 33-37 پیش‌بینی اسارت در سرزمینی خارجی است که با به اسارت رفتن توسط آشوری‌ها و بابلی‌ها به انجام رسید.

اسراییل در میان تمام امت‌ها باعث شگفتی شده و مبدل به مثل و عبرت خواهد شد.

28 : 38-46 یهودیان با خرابی محصولات، تاکستان‌ها و درختان زیتون لعنت خواهند شد. فرزندان آنها به اسیری خواهند رفت و تمامی درختانشان و محصول زمین‌شان را ملخ به تصرف خواهد آورد. شخص غریبه بی‌نهایت بر او رفیع و برافراشته خواهد شد، و اسراییلی بی‌نهایت پست و متنزل خواهد گردید. میان آیات 12 و 44 تناقضی نیست. در صورت اطاعت به تمام دنیا قرض خواهند داد و در صورت عدم اطاعت از غریبه‌ها قرض خواهند گرفت.

28 : 47- 57 وحشت ناشی از محاصره سرزمین توسط مهاجم خارجی در آیات 49-57 شرح داده شده است آنقدر بی رحم خواهند بود که مردم گوشت همدیگر را خواهند خورد. زمانی این واقعه اتفاق افتاد که اورشلیم توسط بابلی ها و بعدها توسط رومی ها محاصره شد. در هر دو تهاجم آدمخواری در همه جا گسترش یافت قومی که به طور معمول پاك و حساس بودند ، متخاصم و آدمخوار شدند.

28 : 58- 68 بلا و مرض به طور چشمگیری از تعداد جمعیت اسراییل خواهد کاست . باقی ماندگان که در سرتاسر زمین پراکنده خواهند شد همیشه با ترس از جفا زندگی خواهند کرد . خدا حتی او را با کشتیها به مصر باز خواهد گرداند . طبق یوسفوس این نبوت که اسراییل به مصر بازخواهد گشت تقریباً در زمان تیطس انجام شد یعنی زمانی که یهودیان را با کشتی به آنجا بردند و به عنوان برده در آنجا فروختند . اما نام " مصر " در اینجا به طور کلی به معنی بندگی است . خدا قبلاً اسراییل را واقعا از بندگی مصر نجات داده بود اما اگر آنها او را دوست نداشته باشند و اعتراف نکنند که او دارای این حق و اقتدار است که از او اطاعت شود ، و اگر مانند همسر او، خود را پاك نگاه ندارند و اگر گنج خاص او نباشند و چنین انتخاب کنند که مانند اقوام دیگر باشند پس آنها را دوباره به عنوان برده خواهد فروخت . و چقدر ناامید خواهد شد زمانی که حتی به عنوان برده نیز طالب او نباشند.

"به هر کسی که عطا زیاده شود از وی مطالبه زیادتر گردد " (لوقا 12 : 48) . به اسراییل ماورای تمام اقوام دیگر امتیاز داده شده بود و در نتیجه مسئولیت او بیشتر و مجازات او سخت تر خواهد بود .

تعمق بر این لعنتها شخص را از ریختن خشم یهوه متحیر می‌کند. هیچ سخنی نمی ماند و جزییات دیگری به ذهن خطور نمی‌کند چون موسی آن را کاملاً به صورت واقعی و جسورانه به تصویر می کشد . اسراییل باید بداند که ناطاعتی چه چیز را به بار می آورد تا ترس از این نام مجید و مهیب، یعنی یهوه، خدایش را فرا گیرد .

ج . سومین خطابه موسی - عهد برای سرزمین (بابهای 29-30)

ج - 1 . عهدی که در موآب بسته شد (29 : 1-21)

29 : 1 اولین آیه باب 29 منطقیاً به باب قبلی تعلق دارد همانطور که در کتابمقدس عبری چنین است . اما کیل و دلیتز آن را عنوانی می دانند که به بابهای 29 و 30 اشاره می‌کند.

29 : 2-9 قوم عهده را که خدا با آنها در کوه سینا بسته بود شکستند . در اینجا موسی آنها را فرامی خواند تا این عهد که در کتاب تثنیه موجود است را تایید کنند عهدی که در دشتهای موآب درست قبل از ورود به سرزمین بسته شد . قوم شناختی از خداوند و هدف او نداشت. خداوند اشتیاق داشت تا دلی را که بدانند و چشمانی را که ببینند و گوشهایی را که بشنوند به آنها بدهد ولی آنها با بی ایمانی و ناطاعتی مداوم خود را واجد دریافت آن نشان ندادند. اسراییل من را از آسمان و آب را از صخره دریافت کرد ؛ او برای ادامه حیات وابسته به چیزهای وابسته به دست انسان نبود (یعنی نان ، شراب و مسکرات) . علت این امر این بود تا آنها خداوند را از طریق وفاداری و محبتش به عنوان خدایشان بشناسند .

به عنوان مشوقی جهت حفظ عهد ، یکبار دیگر موسی نیکویی خدا در برابر اسراییل را مرور می کند یعنی معجزات در مصر ، نجات بزرگ ، چهل سال در بیابان ، شکست سیحون ... و اوج ، و بخشیدن سرزمین ماورای اردن به رئوبین ، جاد و نصف قبیله منسی .

29 : 10-21 موسی مردم را فرامی خواند تا در سوگند عهد با یهوه داخل شوند (آیات 10-13) و به یاد بیاورند که این عهد شامل فرزندانشان نیز می شود (آیات 14 ، 15) . شکستن عهد منتج به مجازات سخت قوم خواهد شد. یاغیان باید از وسوسه خدمت کردن بت های امتهای بر حذر باشند یا تصور نکنند اگر چنین کردند می توانند از خشم خدا فرار کنند (آیات 16-21) . آیه 19 در RSV چنین می گوید : " امروز کسی در میان شما نباشد که این هشدارها را بشنود و خود را قانع کند به اینکه حتی اگر به راههای خود برود، ایمن خواهد بود. زیرا او باعث خواهد شد که تر و خشک باهم بسوزند " . هیچکس نمی تواند بگریزد.

ج - 2. مجازات شکستن عهد (29: 22-29)

29 : 22-28 نسل های بعد و اقوام خارجی نیز خواهند آمد و از خرابی اسراییل متحیر خواهند شد و خواهند پرسید که چرا با آن سرزمین مانند سرزمینهایی چون شهرهای سدوم و غموره و ادمه و صبوئیم رفتار شده است . پاسخ داده شده چنین است " زیرا ایشان پیمانی را که هنگام خروج از مصر، خداوند خدای نیاکانشان با ایشان بست، شکسته اند " .

29 : 29 در حالیکه بعضی اسرار ، بخصوص در ارتباط با داوری ، به خداوند تعلق دارد موسی یادآوری می کند که مسئولیت آنها کاملاً واضح مکا شفه شده است یعنی حفظ عهد

یهوه . آنچه این قسمت می گوید این است که مکاشفه با خود مسئولیت می آورد . مردان مسئولند که اطاعت کنند نه اینکه بر اساس کلام خدا داوری شوند. این اصل بسیار در عهد جدید یافت می شود . " پس هر که نیکویی کردن بداند و بعمل نیاورد، او را گناه است " (یعقوب 4 : 17) .

ج - 3. احیاء برای بازگشت به عهد (باب 30)
30 : 1-10 باب 30 پیش بینی می کند که قوم عهد را شکسته و به اسارت خواهند رفت . این دقیقاً چیزی است که اتفاق افتاد . حتی بعد از آن ، اگر آنها با توبه به سوی او بازگردند خدا بر آنها رحم کرده و آنها را احیاء خواهد کرد و آنها را به سرزمین بازخواهد گرداند. علاوه بر احیای جسمی یک بیداری روحانی نیز خواهد بود (" و یهوه خدایت دل تو .. را مختون خواهد ساخت ") . سپس قوم از برکات اطاعت برخوردار خواهند شد در حالیکه دشمنانشان ملعون خواهند بود.

مشورتهای حضرت اعلی باطل نخواهد شد حتی اگر مفعول مشورت شکست بخورد. خدا به کلامی که به پاتریارخها داد عمل نمود و آن سرزمین را تا ابد به فرزندان آنها داد. بعد از اسارت ، که او می دانست اجتناب ناپذیر است ، او آنها را احیاء و تغییر خواهد داد. چنین است کار محبت بی قید و شرط آن خدای عظیم محبت ! آیه 6 موضوع عهد جدید را به یاد می آورد که شرح آن صدها سال توسط انبیاء بسط و توسعه یافت (ارمیاء 32 : 39 ؛ 36 : 24) . این عهد گرچه در عهد عتیق آشکار شد اما تا مرگ مسیح تایید نشد چون او خون عهد جدید بود (لوقا 22 : 20) .

30 : 11-14 موسی به قوم یادآوری می کند که درک کردن عهد کاری چندان سختی (مشکل) واز آنها دور نیست (دست نیافتنی) . پیدا کردن آن ، کاری دوراز انتظار و غیر ممکن بود به همین دلیل خداوند آن را به آنها بخشید و مسئولیت آنها اطاعت از آن بود . این آیات توسط پولس در رومیان 10 : 5-8 در مورد مسیح و انجیل استفاده و به کار رفته است . نگاه داشتن عهد آسان نبود اما خدا برای موارد شکست شرایطی تدارک دیده بود . در این موارد مردم می بایست توبه کنند و قربانی های معینی بیاورند . از آنجا که قربانی ها نمونه مسیح هستند درسی که از این قسمت گرفته می شود این است که شخص گناهکار باید توبه کند و ایمانش را بر خداوند عیسی مسیح بگذارد .

30 : 15-20 قوم فرا خوانده شدند تا از طرفی بین حیات و نیکویی و از طرف دیگر مابین موت و بدی انتخاب کنند یعنی حیات برای اطاعت و مرگ در نتیجه ناطاعتی . موسی قویاً از آنها می خواهد تا حیات و ..برکت را انتخاب کنند

. پاسخ درست آنها منتج به نتایجی خوب خواهد شد شامل عمر طولانی و حیات وافر روحانی که از مفهوم ضمنی این کلمات نتیجه می شود : و به " یهوه... ملصق شوی" . تنها گزینه دیگر در مقابل حیات و برکت انتخاب یکی از لعنت ها بود.

د. آخرین روزهای موسی- مرگ خارج از سرزمین (بابهای 31-34)

د - 1. جانشینی موسی (باب 31)

31 : 1-8 در اینجا موسی یک صد و بیست ساله بود . او می دانست که بنابر حکم خدا اجازه ندارد همراه با قوم از اردن عبور کند اما به قوم یادآوری می کند که خدا همراه آنها خواهد بود ، یوشع آنها را رهبری خواهد کرد و پیروزی آنها امری حتمی است . سپس موسی در ملع عام یوشع را در ارتباط با کار جدیدش تشویق می کند و او را از حضور خداوند مطمئن می سازد (آیات 7 ، 8) .

31 : 9-13 تورات مکتوب به لویان داده شد و می بایست در تابوت عهد نگهداری می شد . دو لوح ده فرمان در تابوت گذاشته شد (خروج 25 : 16 ؛ عبرانیان 9 : 4) . و رونوشت شریعت در کنار تابوت قرار می گرفت . هر هفت سال شریعت می بایست در حضور تمام اسراییل خوانده می شد .

متأسفانه خواندن کلام مقدس حتی امروزه نیز در محفل های سنتی تعلیم کلام مورد غفلت قرار می گیرد . سخنان زیر کلماتی ارزشمند و تعمیم یافته ای است از سی . اچ . مکینتاش که متأسفانه در اوضاع و احوال فعلی یعنی یک قرن بعد از نگارش آن بیشتر مصداق پیدا می کند :

کلام خدا نه به طور خصوصی و نه به صورت علنی مورد توجه قرار دارد و مطالعه نمی شود . ادبیات مهم در خفا و حریصانه بلعیده می شود ، موزیک ، مراسم دینی و تشریفات تحمیلی مشتاقانه به طور علنی دنبال می شوند . هزاران نفر جمع می شوند و پول می دهند تا موزیک بشنوند اما چقدر محدودند کسانی که جمع می شوند تا کلام مقدس را بخوانند ! اینها واقعیت هستند و حقایق استدلالی قوی هستند . و ما نمی توانیم آنها را برطرف کنیم . میل به هیجانات روحانی در حال رشد است و بی رغبتی به مطالعه کلام مقدس در سکوت ، بی میلی به تمرینات روحانی در جماعتهای مسیحی رو به فزونی است . بی فایده است که این حقیقت را انکار کنیم چون در همه جا با شواهد وجود آن ، برخورد می کنیم .

خدا را شکر ، که گهگاه با کسانی برخورد می کنیم که واقعا کلام خدا را دوست دارند و از داشتن مشارکت برای مطالعه حقایق ارزشمند کلام خدا لذت می برند . باشد که خداوند تعداد آنها را افزایش دهد ، و آنها را برکت دهد تا زمانی که سفر به پایان رسد .

31 : 14 - 18 زمانی که مرگ موسی نزدیک می شود خدا او و یوشع را به خیمه اجتماع فرامی خواند و در ستونی ابر بر آنها ظاهر می شود . نخست بر موسی آشکار می‌کند که به زودی اسرایلیان خود را تسلیم بت پرستی می کنند و خدا به خشم می آورند .

31 : 19-22 سپس او به موسی فرمان می دهد تا سرودی را بنویسد و آن را به بنی اسرائیل تعلیم داده تا این سرود در روزهای پیش رو برای بنی اسرائیل شاهد باشد .

31 : 23 خدا شخصا یوشع را منصوب کرد تا قومش را در سرزمین موعود رهبری کند و او را تشویق نمود تا قوی و شجاع باشد . یوشع باید با این سخنان یهوه تقویت شده باشد . او اندکی پیش ، از خدا شنیده بود که قوم اسراییل مرتکب ارتداد خواهد شد (آیه 16) و برای وظیفه ای که پیش رو داشت بیشتر محتاج اطمینان خاطر بود تا ناامیدی .

31 : 24-27 کتاب تورات یعنی تثنیه که به لایوان سپرده شد به عنوان شاهی است علیه اسراییل در زمانی که خدا را ترك کنند .

31 : 28-30 سپس موسی طبق دستور خدا این سرود را به مشایخ اسباط و سروران داد .

د - 2. سرود موسی (باب 32)

32 : 1-3 این سرود را می‌توان بدین صورت خلاصه کرد : کل جهان فراخوانده می شود تا کلام خدا را بشنود . نیروبخش و احیاء کننده است مانند باران و شبنم . در آیه 3 (که مانند عنوانی برای سرود است) موسی از عظمت نام خدایشان سخن می گوید . این سرود عظمت خدا را با ذکر برخوردار تاریخی او با قومش آشکار می‌کند .

32 : 4-9 با وجود عظمت ، عدالت ، وفاداری و قدوسیت خدا ، قوم خدا او را ترك کرده و علیه او گناه کردند . در اینجا با ذکر ظلمت شرارت و فساد اسراییل ، جلال اسامی خدا آشکار شده است . به خاطر پدر و خالق بودن او آنطور که باید شکر نمودند . چون حضرت اعلیٰ به امتهای نصیب ایشان را از زمین داد نخست برای نیاز قوم خود تدارک دید . چقدر توجه و محبت او نسبت به آنها عظیم بود .

32 : 10-14 تولد و کودکی قوم اسراییل در آیه 10 شرح داده شده است . بعد از خروج از مصر ، خدا مانند محبت عقاب مادر ، قوم خود را تعلیم داده ، هدایت و محافظت کرد (

آیه 11). هیچ خدای بیگانه ای با وی نبود تا از او محافظت کند. پس چرا قوم به بت پرستی روی آورده و نیکویی خدا را به دیگری نسبت دادند؟ سرودی که در آیه 13 آغاز می شود نبوتی است. او آنها را به سمت برکات سرزمین موعود آورد.

32 : 15 - 20 لیکن یسورون (نام شاعرانه قوم اسراییل به معنی " قوم درستکار ") علیه یهوه شورش کرده و به بت ها روی آوردند. ترجیح دادند تا برای دیوها قربانی کنند و بارها فرزندان شان را برای آنها قربانی کردند. حتی در حماقت پرستش بتهای جدید فرو رفتند. پس از صخره واقعی غفلت ورزیدند و پدر واقعی خود را فراموش کردند. در نتیجه یهوه نیز روی خود را از ایشان پوشانید. این پوشانیدن روی توسط خدا، با فروخته شدن آنها به اسارت عملی شد.

32 : 21-33 بعد از کنار گذاشتن اسراییل، خدا با امتهای با مهربانی رفتار می کند تا قوم اسراییل را به غیرت آورد (مانند دوران فعلی کلیسا). در این ضمن اسرایلی پراکنده و مورد جفا قرار می گیرد. قوم کاملاً نابود نمی شود چون یهوه نمی خواهد دشمنان اسراییل سقوط قوم را به غلط تفسیر کنند. علت سقوط این نبود که صخره آنها قویتر است بلکه صخره اسراییل به خاطر شرارت خودشان آنها را به کشتار تسلیم نمود.

32 : 34 - 43 این بخش مربوط است به انتقام خدا از اقوامی که از آنها برای تنبیه اسراییل استفاده نمود. انتقام (آیه 35) و داوری (آیه 36) متعلق به خداوند است. او به نام خود قسم خورده است (چون بالاتر از او کسی نیست) تا با دشمنان شان برخورد کند. توجه کنید که این داوری چقدر کامل خواهد بود (آیات 41 ، 42). در نتیجه قوم خدا و تمام اقوام باید شادی کنند چون خدا تلافی کرده است و برای زمین خود و قوم خویش کفاره نموده است.

32 : 44-47 پس این سرود خلاصه مطالب تاریخی و نبوتی قوم اسراییل است. بعد از خواندن این سرود، با این کلمات موسی جداً مردم را به پیروی از خداوند ترغیب نمود: " زیرا که این برای شما امر باطل نیست، بلکه حیات شماست "

32 : 48 - 52 سپس خداوند موسی را به بالای جبل نبو فرا می خواند و او اجازه دارد از آن بالا سرزمین موعود را ببیند. او اجازه ندارد که به خاطر گناهِش در قادش مریبا

به سرزمین وارد شود . او در کوه نبو می میرد و در وادی موآب دفن شد (مقایسه با 34 : 6) .

د - 3. برکت موسی (باب 33)

چندین واژه مبهم در این باب وجود دارد . در این ارتباط نظرات متفاوتی توسط مفسرین مختلف ارائه شده است . از اهداف این کتاب نیست که به جزئیات تفسیرهای موجود عبری پردازد و ما فقط به خلاصه ای از نقطه نظرات نبوتی هر برکت می پردازیم .

33 : 1-5 به عنوان آخرین رسالت رسمی اش ، موسی مرد خدا برکتی را برقبایل اسراییل اعلام می کند . آیات 2-5 از توجه محبت آمیز خدا نسبت به قومش تجلیل می کند . در سینا او شریعت را بخشید و کوه سعیر و فاران در مسیر سینا تا کنعان قرار داشتند . در زبان شعری موسی خداوند را به عنوان پادشاه یثورون توصیف می کند که قوم خود را به پیروزی رهبری می کند . سپس با این برکات ادامه می دهد :

33 : 6 رئوبین . واقع در شرق اردن و در کنار شمال موآب ، رئوبین در معرض خطر حمله قرار دارد؛ پس دعا برای او این است که منقطع نشود و جمعیت آن افزایش یابد . به شمعون اشاره ای نشده است شاید چون بسیار به یهودا نزدیک است و برکت یهودا شامل او نیز می شود .

33 : 7 یهودا . این قبیله در فتح کنعان رهبر خواهد بود . از خداوند خواسته شده که به جنگجویانش کمک کند و آنها را به سلامت به نزد مردم قبیله بازگرداند .

33 : 8-11 لای . تمیم و اوریم خدا متعلق به لای است قبیله ای که در مسا و اب مریبا مورد انتقاد مردم قرار گرفت . زمانی که قوم گوساله طلایی را پرستش کردند لای قبیله ای بود که علیه قوم ، جانب خدا را گرفت . لای برای تعلیم قوم و هدای قربانی ها جدا گردید . موسی دعا می کند که خدا اموال او را برکت دهد ، از خدمت خود لذت ببرند و خدا خصمان او را نابود کند .

33 : 12 بنیامین . هیکل ، محل سکونت خدا بر روی زمین در قلمرو بنیامین خواهد بود که توسط تپه های کتف مانند احاطه شده است . پس بنیامین به عنوان قبیله ای محبوب تصویر شده است که از مشارکت نزدیک با خداوند لذت می برد .

33 : 13-17 یوسف . قلمرو پسران یوسف با شبنم از بالا و چشمه ها از زیر زمین آبیاری خواهد شد . به طور عجیبی بارور خواهد بود و از نیکویی او که خود را در بوته آتش آشکار نمود بهره مند خواهد شد . با عظمت و پر قدرت ، دو

پسر یوسف امته را فتح خواهند کرد . به افرایم چون داراي حق نخست زادگي بود ده هزار نفر در حالیکه به منسي هزار نفر نسبت داده شده است .

33 : 18 ، 19 زبولون و یساکار . در خانه و خارج از آن موفق مي باشد . قوما را در اورشلیم يعني کوهستان خداوند ، به پرستش رهبري خواهد کرد . اين قبیله بر فراوانی دریا و زمین جشن خواهد گرفت . از آنجا که هیچ سندی دال براین وجود ندارد که این قبیله اقوام دنیا را به پرستش رهبري کرده باشد واز آنجا که هر دو قبیله توسط خشکي محصور شده بود این برکت باید نگاهی به سلطنت هزارساله باشد .

33 : 20 ، 21 جاد . خدا به این قبیله قلمرو وسیعی در شرق اردن داد . جاد مانند شیر مبارزه ، تسخیر و محافظت مي کند . او بهترین زمین یعنی نصیب حاکم را براي خود انتخاب مي کند . اما همچنین به رؤسای قوم ملحق مي شود تا سرزمین غرب اردن را تسخیر کنند و اراده خداوند عادل را انجام مي دهد .

33 : 22 دان با بچه شیر مقایسه شده است خشمگین و قوي که به طور ناگهانی از کمینگاه خود ضربه مي زند . قلمرو اصلي دان در جنوب غربی کنعان بود اما مردم این قبیله به شمال شرقی مهاجرت کرده و سرزمینهای دیگر جوار باشان را محاصره نمودند .

33 : 23 نفتالی در شمال شرق کنعان قرار داشت و به طرف جنوب به سمت دریای جلیل کشیده مي شد . این قبیله افتخار رضامندی و برکت خدا را داشت .

33 : 24 ، 25 اشیر داراي این برکات بود : فرزندان بسیار ، داشتن ارتباط خوب با سایر قبایل و سرزمینی مملو از روغن زیتون . نعلین از جنس آهن و برنج به نظر عجیب مي رسد . کیل آن را قلعه نظامی ترجمه کرده است . اف . دبلیو . گرانت ، براي خط آخر آیه 25 ترجمه جالبی پیشنهاد مي کند : امروزي ها خلاف قدیمی ها " قدرت " را " امنیت " مي خوانند . با هر دو کلمه پایداری امنیت آنها بیان مي گردد و گرچه شاید ما نخواهیم چیزی را که به گوشمان آشنا تر است کنار بگذاریم یعنی " مثل روزهایت همچنان قوت تو خواهد بود " اما قطعاً براي پایان این برکت این جمله مناسب تر از این عبارت نیست : " و همیشه در امنیت زیست کند " .

33 : 26-29 آیات پایانی عظمت خدا را به این دلیل تجلیل می‌کنند که به جای قومش عمل نمود . خدای یشورون برای مدد در آسمانها یگانه است . میلیونها نفر با کلمات موجود در آیه 27 محافظت می‌شوند : " خدای ازلی مسکن توست و در زیر تو بازوهای جاودانی است ."

نابودی دشمنان اسراییل در آینده توسط خدا و وعده امنیت ، صلح ، کامیابی و پیروزی پایان بخش سرود موسی هستند.

د - 4. مرگ موسی (باب 34)

34 : 1-8 حتی اگر شخص دیگری مرگ موسی را ثبت کرده است این حقیقت را تحت تاثیر قرار نمی‌دهد که مابقی تورات را موسی نوشته است. بعد از اینکه موسی سرزمین را دید بر کوه نبومی میرد و توسط خداوند در قبری پنهانی دفن می‌کند. بی شک علت پنهان بودن محل دفن او این بود که انسانها نتوانند از قبر آورنده شریعت زیارتگاهی بسازند و او را در آنجا پرستش کنند. موسی در زمان مرگ صد و بیست سال داشت اما هنوز قوی ، هشیار و زیرک بود . این گفته متناقض با 31 : 2 نیست . علت اینکه موسی دیگر نمی‌توانست مردم را رهبری کند روحانی بود نه جسمی . خدا به او گفته بود که به علت گناه ، مردم را به کنعان رهبری نخواهد کرد (31 : 2) گرچه او از نظر جسمی توانایی چنین کاری را داشت .

34 : 9 سپس یوشع وظایف خود را به عنوان فرمانده کل می‌پذیرد. موسی یوشع را به عنوان جانشین خود و طبق کلام خداوند در اعداد 27 : 18-23 پذیرفته بود. پس خادم او جانشین او می‌شود و این شهادت دیگری است بر فروتنی موسی .

34 : 10-12 از هیچ انسانی چنین ستایشی به عمل نیامده است . البته وقتی این آیات پایانی نوشته می‌شد مسیح هنوز ظاهر نشده بود . آیه 10 فقط تا زمان ظهور نخستین مسیح مصداق داشت .

"و موسی مثل خادم در تمام خانه او امین بود تا شهادت دهد بر چیزهایی که می‌بایست بعد گفته شود" (عبرانیان 3 : 5) . به دلیل گناه مرد و محل دفن او نامعلوم است اما نمونه متقابل او یعنی خداوند عیسی " امین بود " " مسیح پسر بر خانه " (عبرانیان 3 : 5 ، 6) . او به خاطر ما مرد ؛ قبر او خالی است محل دفن او

مكاني خالي است چون او به دست راست خدای پدر در آسمان صعود نموده است . " بنابراین، ای برادران مقدس که در دعوت سماوي شريك هستيد، در رسول و رئيس گهنة اعتراف ما يعني عيسي تأمل کنید" " زیرا که این شخص لایق اکرامی بیشتر از موسی شمرده شد به آن اندازه ای که سازنده خانه را حرمت بیشتر از خانه است".